ماه [illegible]	نمره	سواد ارقام مبارکه که در خصوص [illegible] صادر شده سال تنگوزئیل ۱۲۶۷
۲۰	اول	مصحوب [illegible] بعهده عالیجاه [illegible] شرح لکه — [illegible] رقیمه جناب جلالت [illegible] اکرم اتابک اعظم امیر کبیر [illegible] معروض [illegible] [illegible] و غیره [illegible] [illegible] [illegible] حاکم [illegible] را در [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] و در هر حال احقاق [illegible] [illegible] [illegible] است لهذا [illegible] — مأمور و مقرر [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضور [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دولت قاهره [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] — حضورا مأمور داشته [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عالیجاه [illegible] [illegible] [illegible]
۲۱	۲	مصحوب [illegible] بعهده عالیجاه [illegible] [illegible] شرح لکه — [illegible] روانه حضور مبارک [illegible]
۲۲	۳	مصحوب [illegible] بعهده عالیجاه [illegible] [illegible] [illegible] شرح لکه — درباب [illegible]

ماه [illegible]	نمره	ثبت ارقام مبارکه سال تنگوزئیل ۱۲۶۷
۲۲	۴	مصحوب [illegible] بعهده عالیجاه [illegible] حاکم [illegible] شرح لکه — [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دولت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سلطان [illegible] عدالت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]
۲۲	۵	شرح لکه — [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضور [illegible] حضرت سپهر بسطت همایون [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] مملکت [illegible] [illegible] برقرار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] همایون [illegible]
		مصحوب [illegible] بعهده عالیجاه [illegible] حاکم [illegible] شرح لکه — [illegible] دارالسلطنه تبریز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حضور مبارک [illegible]

حاشیه الذکر	نمره	ثبت ارقام مبارکه — سنه ... ئیل ۱۲۶۷
	۷	معصوم — بعهده عالیجاه ... حاکم قصبه ... شرح آنکه ... [illegible]
	۸	معصوم — بعهده عالیجاه ... شرح آنکه ... [illegible]
	۹	معصوم — بعهده عالیجاه ... شرح آنکه ... [illegible]

حاشیه الذکر	نمره	ثبت ارقام مبارکه — سنه ... ئیل ۱۲۶۷
	۱۰	معصوم — بعهده عالیجاه ... شرح آنکه ... [illegible]
	۱۱	معصوم — بعهده عالیجاه ... شرح آنکه ... [illegible]
		[illegible]

[illegible]	نمره	ثبت ارقام مبارکه	سال تنگوزئیل ۱۲۶۷
	۱۲	منصوب	[illegible] از قراری که عالیجاه احوال [illegible] [illegible]
	۱۳	منصوب	[illegible]

۱۲ منصوب
[illegible] شرح آنکه از قراری که عالیجاه احوال [illegible] دولت [illegible] [illegible]
[illegible]

[illegible]

۱۳ منصوب
[illegible] شرح آنکه [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible]	نمره	ثبت ارقام مبارکه	سال تنگوزئیل ۱۲۶۷
	۱۴	منصوب	[illegible] شرح آنکه از قراری که عالیجاه احوال [illegible] [illegible]
	۱۵	[illegible]	شرح آنکه [illegible]

۱۴ منصوب
[illegible] شرح آنکه از قراری که عالیجاه احوال [illegible] نصرالله خان [illegible]
[illegible]

۱۵
شرح آنکه [illegible] روح العالمین فداه [illegible]
[illegible]

شهر جمادی الثانی	نمره	

۱۶ بعهده عالیجاه هادی خان حاکم ساوجبلاغ نوشته شد که — از قراریکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در طی عریضه ایوان [illegible] بدوین [illegible] دولت بهیه روسیه

در قریه وار ساوجبلاغ آدم فرستاده خرج [illegible] کذاران سرکار اشرف والا [illegible] داشته است مشار الیه در اینجا ها زوج خریده و در قپان کشیده [illegible]

انکاری هم نموده است که [illegible] نمایند [illegible] نخود [illegible] است که [illegible] بطور خیر [illegible] محمد سلطان [illegible] خان [illegible]

کشیده [illegible] قپان [illegible] انکار کرده است [illegible] کشیده [illegible] قپان را [illegible] کشیدن از انصاف [illegible] است حرف او را [illegible]

[illegible] محمد سلطان [illegible] در میان [illegible] آزار [illegible] زده [illegible] بار های [illegible] زوج را در قپان [illegible]

قپان را [illegible] بار ها [illegible] نخود [illegible] آخر [illegible] انکار کرده است [illegible] جواب

محمد سلطان [illegible] است و [illegible] نظام [illegible] وقوع اینگونه مقدمه [illegible] رعایای [illegible] آمکان [illegible]

[illegible] بعهده [illegible] امر و مقرر میداریم [illegible] رقم مبارک [illegible] قدغن اکید و منع نماید [illegible] در خصوص [illegible]

گرفته [illegible] از [illegible] مزبور [illegible] آورده [illegible] گرفته [illegible] کسند [illegible]

[illegible] نشود [illegible] وقت [illegible] آورد [illegible] شکایت کنند [illegible] مراقبت و مواظبت

[illegible] اینطور امر ها در اینجا اتفاق نیفتد و [illegible] مشار الیها شکایت [illegible] مشار الیه [illegible] ساز [illegible]

[illegible] الوجوه [illegible] خلاف [illegible] اتفاق نیفتد

۱۷ بعهده عالیجاه حسین پاشا خان [illegible] نوشته شد که — در باب [illegible] حاجی عبدالکریم [illegible] تبریز [illegible]

دولت بهیه انگلیس [illegible] داشته بود [illegible] مشار الیه [illegible] قرار [illegible] در خصوص [illegible] دار الخلافه [illegible]

جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت مشار الیها [illegible] نماید [illegible] انان [illegible]

در قرار [illegible] مشار الیها [illegible] جناب [illegible] وزیر مختار [illegible]

[illegible] مشار الیه [illegible] عالیجاه احمد بیک [illegible] امر و مقرر میداریم [illegible] بزیارت [illegible] رقم [illegible]

عالیجاه احمد بیک [illegible] خوشه [illegible] سرکار [illegible] تقویض کنند [illegible] ضبط نماید [illegible] تسلیم

[illegible] آورده [illegible] سرکار [illegible] ماوشود [illegible] زبان فهم و معقول روانه تبریز نماید [illegible]

[illegible] روانه دار الخلافه [illegible] بطور مقرر [illegible] جناب وزیر مختار [illegible] صاحب [illegible]

این امر [illegible] الوجوه [illegible] دانسته [illegible] قرآن [illegible] در اینجا [illegible]

[illegible] تاخیر و تعویق [illegible] قرار [illegible] مشار الیه [illegible] شکایت [illegible]

اگر عالیجاه احمد بیک [illegible] مقرر [illegible] ضبط کنند [illegible]

تمام و کمال [illegible] عالیجاه مشار الیه [illegible] دار السلطنه تبریز حاضر کنند [illegible]

عالیجاه دار الخلافه [illegible] این امر را با تمام [illegible] المعزز [illegible] فوز [illegible]

۱۸ بعهده عالیجاه هادی خان حاکم ساوجبلاغ — از قراریکه بعرض [illegible] رسیده یوسف نام [illegible] سه ماه [illegible] در قریه [illegible]

ساوجبلاغ [illegible] نام [illegible] قریه [illegible] بموجب [illegible] او را [illegible] گرفته برده اند [illegible] نام [illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]

که [illegible] مراقبت [illegible] و درین [illegible] او [illegible] لهذا [illegible]

[illegible] امر و مقرر میداریم [illegible] بزیارت [illegible] وجه [illegible] تحقیق [illegible]

[illegible] یوسف [illegible] را [illegible] لذا [illegible]

که [illegible] حرکات [illegible] در [illegible]

[illegible] عالیجاه محمد [illegible]

[illegible] دارد

۱۹ بعهده عالیجاه محمد [illegible] نوشته شد که — از قراریکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible]

[illegible] ساوجبلاغ [illegible] بموجب [illegible] دولت بهیه مشار الیها [illegible] قرارداد [illegible]

در ساوجبلاغ [illegible] بهر [illegible]	در باب [illegible] بهر [illegible]	در ساوجبلاغ [illegible] دینار	در باب [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
در ساوجبلاغ [illegible] بهر [illegible]	در باب [illegible] مشار الیه [illegible]	در ساوجبلاغ [illegible] انگلیس [illegible]	[illegible] ساوجبلاغ گرفته اند
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
در [illegible] مشار الیه [illegible]	در [illegible] دینار گرفته اند	در باب [illegible] گرفته اند	در ساوجبلاغ [illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] دانسته [illegible] قرار داد [illegible]

[illegible] امر و مقرر [illegible] داشته [illegible]

[illegible] لهذا [illegible] داشته [illegible]

[illegible] مراقبه [illegible] ساوجبلاغ [illegible] امر و مقرر [illegible] نماید [illegible]

[illegible] گرفته است [illegible] نماید [illegible]

[illegible] قرارداد [illegible] مشار الیها [illegible]

[illegible] لذا [illegible] مراقب [illegible] نماید [illegible] اتفاق نیفتد

[illegible] فوق [illegible]

[illegible] تبریز نماید

متعلق الیه	نمره	
	۲۰	معه — عهده عالیجاه محمد رحیم خان حاکم خوی شرح اینکه — از قرار معروض حضور معدلت دستور والا رسیده اهالی قریه مهران خوی دو سال آنها از قرار و برات اذیت و آزار زیاد برا داشته نموده قصبین قریه مزبوره که کربلائی سوگ و بعضی انها مع دو نفر شده انر خانه و عیال خود را گذاشته فرار اند از رکاب والا که داد انها برات مزبوره و در صورت صدق بسیار خلاف است و عرض دو مرا حمت رعیت پاشای صورت تمام زده حال عریضه آنها در بیگلکار را باتفاق ارباب مزبور مامور و ماها مقرر میداریم را آنها را اطمینان داد باتفاق عالیجاه مشار الیه روانه محل و ماوای خود نموده در خانه و جای خود نشانده اگر ایشان مزبور در حق آنها تعدی و خلاف نموده اند بصواب براداهم شبه که انحطاط واپس دار شده باید و مقرر که نگاهداری بشند و من بعد اطلاع مراقب احوال آنها بوده نگذارد در حق و زیاده در حق آنها مقرر اینکه عالیجاه عریضه های بیگلکار را مامور دانسته حسب المقرر مرتب دارد
	۲۱	معه — عهده عالیجاه محمد رحیم خان حاکم خوی شرح اینکه — در باب سیصد منات طلب مقرر دیج که از رعیت حرکت بهیه روسیه مزبور از قرار نوشته او اهالی عتیق بیک ساکن قریه تازه کند صنکارات از قرار یکه بعرض حضور والا رسیده است حکومت نواب کامیاب ملک قاسم میرزا در حق اهالی خوی و اورات مشار الیها مقرر در حضار تبریز شابه است همین حالت طلب حضور نداشته اند انکار مقرر و نیست خود را شهید کشته است اگر صاحب طلب حاضر خود را داد حال خود را ماهی دار و از عهده آن بر می خواهد از قراریکه کاشفان حرکت مشار الیها که گذاران سرکاری اظهار کرده اند حال مقرر دیج مزبور با فراد حکم خود را با عتیق بیک مشار الیه قطع و فصل نماید لهذا عالیجاه عریضه های در بیگلکار شده مامور و مقرر میداریم که مراد از مبارک والا قدغن اکید نماید که عتیق بیک مزبور را باتفاق مامور سرکاری روانه رکاب مستطاب والا نماید و آنچه با حرف طلب گفتگو نماید مقرر اینکه عالیجاه عریضه های در بیگلکار خود را مامور دانسته حسب المقرر مرتب دارد
	۲۲	معه — عهده عالیجاه محمد رضا خان حاکم اردبیل — در باب پنج هزار و چهار صد منات تخواه دو نفر رعیت دولت بهیه روسیه که در میان طایفه قفقاز انها را گشته تخواه مزبور را در پیش داشته اند و بعد از دو ماه است حکومت عالیجاه پاشا خان از قرار اظهار عالیجاه جنرال قونسول روس مقرر داشته بعد تخواه مزبور را از هرجا باشد و بیرون آورده بدست داده اند و ایر قونسول گری شده چون طایفه قفقاز از او ایلخی عالیجاه پاشا خان امر مسکن است و باید او سرانجام نمایند با آنکه این مطلب قرین انجام شده روانه در باب چاپاریان جان که تحقیر و جهان ملوک و متعلق بالزعال و عالیجاه مشار الیه بر احت نمیده مور شغل خود مشغول گشته است با اهتمام در اتمام این امر عده حمل آورده بزودی صورت دهد مطلب عهده مزبوره اینکه از در عهده تعویق نمایند لهذا عالیجاه عریضه ربیع بیگ را مامور و مقرر میداریم را اداها مراقبت بعمل آورده قدغن اکید عالیجاه مشار الیه کند تخواه مزبور را بدون تاخیر از هرجا باشد بجلد و معجل رسانیده ارسال دارد و ایر قونسول گری شاهد طی گفتگو شود مقرر اینکه عالیجاه عریضه ربیع بیگ خود را مامور دانسته حسب المقرر مرتب دارد

نمره	
۲۳	معه — عهده عالیجاه هادی خان حاکم ساوجبلاغ شرح اینکه — از قراریکه عالیجاه قونسول دولت بهیه انگلیس بکارگذاران سرکار اشرف والا اظهار داشته است عالیجاه قونسول دولت بهیه مقیم موصل از بابت قیمت ده زوج بسیط شصت تومان از میرزا ابراهیم نام ساوجبلاغی طلبکار است در اینکه طلب او را اهالی دکانی خود لهذا عالیجاه عریضه های حضور دیگر بیگ را مامور و مقرر میداریم را ماها بعد از زیارت رقم والا با موریت عالیجاه مشار الیه وجه مزبور را از میرزا ابراهیم مشار الیه مطالبه که اگر مقرر و نیست باشد بدون تاخیر و معطلی که ارسال نماید عالیجاه مشار الیه شود والا خود میرزا ابراهیم را باتفاق مامور سرکاری روانه رکاب والا کنند مامور باشد مقرر اینکه عالیجاه عریضه های حضور بیگ خود را مامور دانسته حسب المقرر مرتب دارد
۲۴	معه — عهده عالیجاه محمد رضا خان حاکم اردبیل — از قراریکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در باب به کشور والا حق داشته است ایرانی ولد علی ساکن اردبیل در المقرف به شهر کوه ترازی یکصد و پنجاه منات از تنخواه ها انجا بشراکت محمد حسن نام ولد شهر رعیت روس قرض که نموده و نزد او را رسانیده هر چه نفع شود بالمناصفه قسمت نماید ایرانی مزبور نموده ها را با دیگر کسی قاطر بابت بها داده ها را در مدت مقرر شده رو داشته بار دیگر آمده است چنین در صورت با میرزا ام اصل تخواه را با قاطرها آورده محمد حسن نام مزبور رد کند واز عهده نصف منفعتها برآید لهذا بر حسب اظهار رد خواهش عالیجاه مشار الیه عالیجاه عریضه مهدی بیگ را مامور و سیداریم را ماها فوری که در صورت صدق وجه مزبور را با قاطر و نصف منفعت از او با موریت عالیجاه مشار الیه مسترد داشته تسلیم محمد حسن نام را باتفاق مامور سرکاری روانه است نماید و قبض رسید که در نظامنامه از محمد مزبور گرفته ارسال حضور والا کنند و از المقرار جواب عالیجاه مشار الیه ملاحظه شود واگر ادعا در تعاملی باشد روانه رکاب مستطاب والا نماید و آنچه با تحقیق کارگذاران سرکار والا عالیجاه مشار الیه محمد مزبور را جواب دهد و طی گفتگو نماید مقرر اینکه عالیجاه عریضه مهدی بیگ خود را مامور دانسته بطوریکه امر و مقرر داشته ایم مرتب دارد
۲۵	معه — عهده عالیجاه محمد خان زرزا شرح اینکه — از قراریکه عالیجاه قونسول دولت بهیه انگلیس بکارگذاران سرکار اشرف والا اظهار داشته است عالیجاه قونسول مشار الیها مقیم موصل از بابت قیمت ده زوج بسیط شصت و هفت تومان و دو هزار دینار از محمد اهل اشنویه طلبکار است در اینکه طلب او را اهالی دکانی خود لهذا عالیجاه عریضه حضور دیگر بیگ را مامور و مقرر میداریم تا ماها بعد از زیارت رقم والا با موریت عالیجاه مشار الیه وجه مزبور را از محمد اهل اشنویه نام مزبور مطالبه کند اگر مقرر و نیست باشد بدون تاخیر و معطلی که ارسال نماید عالیجاه مشار الیه شود والا خود محمد اهل را باتفاق مامور سرکاری روانه رکاب والا کنند مامور باشد مقرر اینکه عالیجاه عریضه حضور دیگر بیگ خود را مامور دانسته حسب المقرر مرتب دارد

ملاحظات	نمره	
	۲۶	سواد — شرح آنکه آنکه چنین از قرار فرمان مهر لمعان سرکار اعلیحضرت قدر قدرت اقدس شاهنشاهی روح العالمین فداه عالیجاه مجدت و نجدت همراه حاجی میرزا احمد وقایع نگار را از این دولت جاوید آیت علیه مأمور اقامت و کارگزاری ارزنة الروم نموده‌اند در باب عالیجناب قدمت خدمت و صدق ارادت عالیجاه رفیع جایگاه مجدت و نجدت همراه فخر خوانین عقیدت پناه مقرب الحضرة العلیه میرزا حسن در حضرت سپهر بسطت ملوکانه معروف افتاده او را به این شغل منصوب و کفایت این خدمت را مرجوع فرموده‌اند که به حسن کاردانی و درایت متکفل رسیدگی تبعه و تجار دولت جاوید آیت علیه شود موجبات انتظام امر تجارت و لوازم حصول آسودگی و فراغت آنها مهیا دارد لهذا ما نیز امتثالا امر قدر قدرت در انتصاب او اجرای فرمان قضا جریان همایون این رقم والا را صادر نمودیم تا تبعه و تجار دولت علیه که در ارزنة الروم می‌باشند و یا بعد از این خواهند رفت حسب الامر الاقدس الاعلی سرکار خودشان را محول به عالیجاه مشار الیه دانسته مصالح امور را بصوابدید او مرجوع دارند معلوم است چنانکه مقتضای کمال اتحاد و موالات [illegible] اولیای دولتین قوی شوکت پادشاهی انتظام امور و انجاح مهمات [illegible] آن دولت دوستی آیت سنیه را حسب عهود و شروط ملحوظ میدارند امنای آن دولت قوی شوکت نیز در حسن نیت موافقت خواهند کرد تا از میان خلق و مصالحات [illegible] تبعه و تجار [illegible] آسوده که به فراغت شغل تجارت [illegible] باشند مقرر آنکه عموم تجار و تبعه دولت علیه [illegible] و صلاح و صوابدید مشار الیه تخلف ننمایند [illegible] معاملات و تمسکات خود را به تصدیق مشار الیه و مهر [illegible] معتبر ساخته [illegible] رعیت و عبور و مرور خود را از مشار الیه بگیرند و تجدید ننمایند
	۲۷	سواد — مهر عالیجاه محمد خان [illegible] شرح آنکه عالیجاه مجدت و نجدت همراه حاجی میرزا احمد [illegible] دولت علیه [illegible] در باب [illegible] فرموده‌اند از قرار فرمان جهان مطاع لازم الاتباع اقدس اعلی عالیجاه مقرب الحضرة العلیه میرزا حسن مأمور گردیده در شغل کارگزاری در ارزنة الروم اقامت کند و تبعه و تجار دولت علیه را در آنجا [illegible] رسیدگی [illegible] در تحصیل آنکه [illegible] در رواج تجارت آنها سعی و اهتمام بعمل آورد [illegible] درباره آنها [illegible] مواد [illegible] عهدنامه مبارکه [illegible] دولتین علیتین [illegible] این روزها شرفیاب حضور والا گردیده بعد از چند روز [illegible] ارزنة الروم خواهد [illegible] عالیجاه حاجی میرزا احمد در شغل خود مستقل خواهد ماند [illegible] بعد از رسیدن عالیجاه مشار الیه کیفیات [illegible] لازم [illegible] والا [illegible] رقم والا [illegible] دولت علیه را از مأموریت او مطلع سازد [illegible] کارگزاران ارزنة الروم در باب احترام و توقیر او [illegible] لازم [illegible] اوقات مراقبت [illegible] از امور [illegible] اتفاق افتد [illegible] عالیجاه مشار الیه مستحضر شود [illegible] در انتظام لوازم مأموریت او [illegible] اهتمام تمام بعمل آورد

ملاحظات	نمره	
	۲۸	سواد — بشرح آنکه آنکه عالیجاه [illegible] محمد بیک [illegible] از قرار عرض حضور والا سید فاطمه نام [illegible] در قریه [illegible] شوهر رفته بود و شوهرش فوت شده است [illegible] اوقات ورثه [illegible] آمده [illegible] شریعت مطهره [illegible] وراثت [illegible] گفتگو [illegible] ضبط و تصرف [illegible] خلاف است [illegible] لازم است لهذا مقرر میداریم [illegible] رقم مبارک والا [illegible] تحقیق [illegible] احقاق حق [illegible] محضر [illegible] دار السلطنه تبریز [illegible] گفتگو کنند و احقاق حق بشود حسب المقرر مرتب داشته
	۲۹	سواد — مهر عالیجاه احمد خان [illegible] شرح آنکه از قرار [illegible] عرض حضور والا رسید حاجی [illegible] محمد تاجر تبریزی رعیت دولت علیه [illegible] ارسال [illegible] که در این راه [illegible] تفصیل [illegible] از اموال [illegible] در منزل [illegible] در منزل [illegible] تفلیس [illegible] [illegible] برده اند [illegible] اموال مسروقه را پیدا و مسترد [illegible] دولت علیه [illegible] تفلیس [illegible] سرکاری [illegible] دولت بهیه روسیه [illegible] لازم بود [illegible] قرار رسیداد [illegible] کارگزاری [illegible] کارگزاران سرکاری [illegible] مواد [illegible] مشار الیه گفتگو نمایند [illegible] که اموال آنها [illegible] لهذا مقرر میداریم [illegible] اموال مسروقه [illegible] صورت تفصیل آنها [illegible] لازم است کارگزاران دولت بهیه روسیه مسترد [illegible] اموال مسروقه [illegible] دولت [illegible] معلوم است [illegible] مراقبت و اهتمام بعمل خواهد آورد [illegible] دولت علیه [illegible] خواهند [illegible] مقرر مرتب داشته کماهی نکند

عمادالدوله

بعهده نواب ... خان ... شرح اینکه — از قراری که بعرض حضور والا رسید براة مقرری ... میرزا ... هرات صاحب ... حواله
... عباسقلی خان بعهده ... براة ... رالیه ... مبلغ ... و چهار هزار حواله ... فرنک ... از بابت اضافه ...
و ... براة ... رالیه ... ورود ... است ... رالیه ... و ... قونسول ... انگلیس خواهش ...
... است لهذا بعهده ... مقرر میداریم ... تحقیق و ... که در صورت ... از بابت اضافه ... فرنک ...
از قرار حواله ... رالیه ... که ... دارد ... در ... حساب ... از ... رالیه ... است نظر ...
براة ... از ... دارد ... در هر صورت ... مقرری ... رالیه ... دارد
... کذان ... که ... فرصت گذاری ...

غره شهر رجب المرجب

بعهده نواب ... خان ... شرح اینکه — چند روز قبل در باب شکایت ... بطرف ... است ... روپیه ... اقرار
اظهار ... جنرال قونسول ... مقرر داشته ... در حق او ... که ... در خصوص ... از ... در صورت ...
و ... رالیه ... اقرار ... جنرال قونسول ... بحضور والا ... است ... جهت ... در تحصیل ...
... صاحب ... است ... حقیقه ... احکام والا ... کند ...
... روپیه ... است و احکام ... آورده ... صورت
... است ... رالیه ... مقرر میداریم ... در باب شکایت
... اهتمام ... در حق او ... نظر ... نظام ...
... حقیقت ... حضور والا ... در حق ... مقرر داریم ...
... در حق او ... است ... اهتمام تمام ... مقرر
داشته ایم ... دارد ... تحقیق ...

شهر رجب المرجب

بعهده نواب ... خان ... شرح اینکه — از قراری که بعرض حضور والا رسید ...
... خان تاجرباشی سابق ... روپیه ... در باب ...
... تفصیل ... حسب الامر ... تفصیل ... است ...

[illegible]

از ... خان ... از نقد و جنس و جواهرات و غیره ... در تفصیل ...
مطالبات ... تفصیل ... است ...
طلب ... حقوق ...
... مقرر میداریم ... کیفیت ... روپیه ... قرار
... مطالبات ...
... مطالبات ... اهتمام ...
بطور ... مقرر ... دارد

بعهده نواب جعفر خان ... شرح اینکه — در باب ... خان ... روپیه ... است ...
... رالیه ... احکام ...
... از قراری که بعرض حضور والا رسید ... اهتمام ... رالیه ...
...
...
... مقرر میداریم ... رقم ... اهتمام در باب ... آورده ...
... در باب ...
... در صورت ... از عهده ...
... از عهده ... مال ... علاوه ...
مقرر ... مقرر داشته ایم مرتب دارند

نمره ترتیب

معصوم

بعهدهٔ نواب محمد رضا خان حاکم اردبیل رجوع شده — از قرار نوشته کماشتگان دولت بهیه روسیه و اظهار کارگذاران سرکار والا اظهار روا داشته اند [illegible] رعیت
دولت بهیه روسیه که در آنطرف قتل نفس کرده فرار باینطرف گذشته در خانه شیخان ولد حاجی فالزاد شیخی تو مخفی شده است چنین خواهش رد و تسلیم او را
به سرحدداران دولت مشارالیها نموده اند لهذا عالیجاه عمر سلطان حسین بیک را مأمور و مقرر میداریم و آن را ملازمه دقت را بعمل آورد و در صورت الحاق
مزبور رعیت روس و فرار بیرون قدم تابع او را گرفته با قرار دل بر سرحد به تسلیم سرحدداران دولت مشارالیها نموده قبض باز یافت دارسال دارند
و اگر رعیت روس بعضی از اشخاص نشود با اتفاق ماموری سرکاری روانه رکاب مستطاب والا نمایند تا حضور را از کماشتگان روس جواب [illegible] شود مقرر آنکه عالیجاه مرتضی
نشان حسین بیک خود را مأمور داشته حسب المقرر مرتب دارد

معصوم

بعهدهٔ نواب محمد رضا خان حاکم اردبیل رجوع شده — در باب اسمعیل برادر علی اکبر نام سارق اموال مشهدی غفار رعیت دولت بهیه روسیه
شرحی از اظهار کارگذاران سرکار اشرف والا نوشته بود بنظر والا رسید از فقرات آن اتفاقا فاش که علی اکبر نام اموال رعیت روس
سرقت که واقع و انکار شده است و اسمعیل برادر علی اکبر او را گریزانیده و در اینصورت باید برادر خود را به زودی از عهده برآید لهذا بعهدهٔ
آنعالیجاه امر و مقرر میداریم که اگر اسمعیل مزبور برادر را باید است و در این سرکاری ... قدغن نمایند که مقصد و شتن فلان الحصه علی اکبر از دل بهو به رعیت
روس است از او دریافت کند و خود اسمعیل را هم بدون کوتاهی روانه رکاب مستطاب والا نمایند و به مزبور عاید صاحب مال نماید اما انجران
سراب ... باتقصیر شده منتظر رشوه البته آنکه در استرداد وجه نحو کلا مزبور و فرستادن اسمعیل تعلل و کاهی نکرده بطوریکه امر و مقرر داشته
ایم عمل و مرتب دارد

معصوم

بعهدهٔ عالیجاه قاسم خان ایرسباش رجوع شده — در باب وصول تخواه دولت بهیه روسیه از عالیجاه قاسم خان ... بموجب تمسک و دیوانخانه مقرر شده است
بشرح رقم والا بعهدهٔ آنعالیجاه صادر و عالیجاه فدا ایر بیک و منوچهر بیک را مأمور که بوجه منظور از عهده رقم مأمور شدن محصل آن بوده تنخواه مزبور بحیطه وصول رسید
از قرار یکه عریضه حضور والا رسید آنعالیجاه حکم سرکاری رسیده دست اندرازی که به عالیجاه مشارالیه رفته اند و ما بانطرف گذشته است آنچه مال و دواب عالیجاه مشارالیه
غارت نموده آورده اند و مأمور سرکاری هم به او مصرا رکه الا اقل مال اهالی در عوض تنخواه مزبور رجوع آوردی شود و مقید نخواهد داد که با سماجه کرده است
مراتب مزبوره خلاف مصلحت میباشد و از آنجائیکه بسیار مشتعل وار دو نمایند تا رزق نماید عالیجاه مشارالیها ... مجددا مأمور آنعالیجاه مقرر میداریم که هرچه از مواشی و
اغنام از مال و دواب عالیجاه مشارالیه غارت نموده اند باید بلا عذر بدون قبض عذر با مأمورین سرکاری رد نمایند و در عوض تنخواه دولت بهیه روسیه نباید شود مقرر
میداریم که اگر آنعالیجاه عذر بیاورد و در اموال باکفی عالیجاه مشارالیه رد که ... و در حقیقت بر عایت نسبت خویش باو داده مسموع کوتاهی در این باب سرکار
هکذا مطالبه و دریافت خواهند کرد مقرر آنکه عالیجاهان عزت و سعادت نشان فدا ایر بیک و منوچهر بیک خود را مأمور داشته بطوریکه مقرر
داشته ایم اموال منهوبه عالیجاه قاسم خان را گرفته پیاده رد و در عوض تنخواه عاید کماشتگان دولت مشارالیها شود حسب المقرر مرتب داشته

نمره ترتیب

معصوم

بعهدهٔ عالیجاه محمد رحیم خان حاکم خوی رجوع شده — در باب سامویل بیک ... تبعه دولت بهیه روسیه معروض است و ادعای طلب از اهالی بعضی
دهات خوی ... رقم صادر و محصل مأمور که بوده در صورت صدق مطالبات او را تحصیل کرده و در عوض طلب کارسازی تبعه دولت مشارالیها
از قرار یکه عریضه حضور والا رسید سامویل بیک مزبور فرصت کرده فرار نمایند که دولت علیه [illegible] نموده است اگرچه راه فرار کردن او قرار مطالبات
تبعه دولت مشارالیها معوق مانده است ولکن از قراریکه شرحی عالیجاه جنرال قونسول کارگذاران سرکار والا نوشته اند و وقت عزیمت از تبریز
بخوی ... اسباب از ماونک نام تبعه دولت مشارالیها برده فلان جزیره را هم بیرون آمده از ... و ادرا کارسازی تا این حال فرار نموده تحویل
ادم الا دو محل مانده است چنین از قرار نوشته عالیجاه مشارالیه الحق برادر اظهار ماونک نام میان سامویل بیک مزبور با ریکر اسباب خود را در نزد
آن ارامنه جهان ... بر گروگذاشته حال در پیش اوست لهذا آنعالیجاه امر و مقرر میداریم که پس از زیارت رقم والا قدغن نمایند که ...
که در صورتیکه سامویل بیک اسباب خود را در نزد آنان مزبور گذاشته باشد مال سامویل بیک بوده آن شخص شوهر کرده تسلیم ... زنجی و از
او را روانه ... نماید و قبض رسید که باز یافت داشته ارسال دارند و الا حقیقت را معروض دارد که اطلاع عالیجاه مشارالیه ... را ...
جنرال قونسول کارگذاران سرکار والا اظهار نمایند البته بطوریکه مرتب داشته تخلف نکنند

معصوم

بعهدهٔ نواب ... خان حاکم ساوجبلاغ رجوع شده — در باب ... با تجار تبعه دولت بهیه روسیه عالیجاه جنرال قونسول شکایت زیادی بکارگذاران
شرح متعدد نوشته است ... گمرک قرار دادی در ساوجبلاغ ... در این باب راه ... مطالبه را به اری ... و ... باید شکایت
و باعث گفتگوی زیادی شده حسب الامر کارگذاران سرکار والا در سه شکایت با مباشرین دارالسلطنه در این باب باید تحویل قرار داده ... باید
که تجار دولت بهیه روسیه از تبریز و مقرر ساوجبلاغ میانه گمرک قرار دادی را با مباشرین میران داده تذکره دریافت که از قرار همان تذکره
دیگر در ... از ... معرض ... ساوجبلاغ ... ام ... لذا ... مطالبه ... در ساوجبلاغ تبریز ... اردو ... خواهد
گرفت گمرک قرار دادی را در ... که از ... ساوجبلاغ گمرک را ... در ساوجبلاغ
مزاحم نشوند ... گرده ... تبریز ... گمرک ... باید ... حاکم ...
مخفی ... تاجر ... تبریز ... گمرک ... مباشرین ... تا ... همان ...
حیف ... گمرک قرار دادی ... ساوجبلاغ ... همین حکم را دارد ...
... گمرک ... ساوجبلاغ ... گمرک را
... در یافت ... و اما ... خواهد داشت ...
... گمرک ...
... در ... گمرک ...
... گمرک ... ساوجبلاغ
... میران ... گمرک ... میران ...
... در این باب اهتمام
... از وجه ... خواهد ... از ...
... میران ... نعم ... [illegible]

شهر رجب

سنه ۱۲۶۶

معروض

بعهده عالیجاه محمد رضا خان حاکم اردبیل نوشته شد که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه از اینکه در اردبیل از تجار عمده بر گمرک صاحب دیوان

تجار دولت بهیه روسیه را به اردبیل مطالبه میکنند شکایت زیاد کرده اظهار داشته مکرر قرار داده‌اند در جواب نوشته شد که کارگذاران سرکار بخصوص

میزان خان قرار داده‌اند و ... ساوجبلاغ و اردبیل میرزا نوشته صاحب ... صاحب گمرک هم خود را داده ... دارد و به اردبیل

ساوجبلاغ صاحب گمرک را ... داشته ... در وجه اکنون در اردبیل ... ام وارد ... مطالبه وجهی نمایند

و در ساوجبلاغ گمرک ... در اردبیل گمرک صاحب ... که قدغن نماید ... و در ... سلطنت را به اردبیل ساوجبلاغ

صاحب ... فقدان ... تجار دولت بهیه روسیه روانه است و گمرک ... در اردبیل صاحب قرار دادن اکراه

تا از اکنون ... در اردبیل مطالبه گمرک ... همین ... اردبیل ... ساوجبلاغ میرزا ...

که در ... صاحب گمرک را ... بعد از ... صاحب ... در جواب ... ساوجبلاغ

حکم ... داشته‌ام ... مقرر ... در اردبیل ... لکه ... بعد از ... لهذا

لکن محقق که ... مراقبه خواهند

معروض

بعهده عالیجاه محمد خان ... همین مضمون

معروض

بعهده عالیجاه محمد رضا خان حاکم اردبیل نوشته شد که از قراری که عالیجاه ... عریضه بحضور معدلت دستور سرکار ... قریه خرابه

اردبیل ... از قدیم خراب ... در زمان ... را ... آبادی ... داده ... سیدالشهدا ... خود را

شرعی رسانیده ... مطابق ... قباله ... از آنها خریده است و از قرار قباله ... قدیم ... قریه ... عالیجاه محمد

بخلاف حساب ... احتیاج ... که ... را خراب ... لهذا مقرر میداریم

عالیجاه باموریت عالیجاه عزت و سعادت‌نشان ... میرزا سید محمد غلام ... عالیجاه محمد تقی خان ... رده

و ... محمد تقی خان را ... در مقابل قرار ... داده

عالیجاه ... در محضر علمای اردبیل ... بهر گونه حکم شرع ... از اقرار ... مقرر ... عالیجاه عزت و سعادت‌نشان میرزا سید محمد

بخدمت ... داشته بطوریکه امر و مقرر داشته‌ایم معمول دارد .

شهر رجب

معروض

بعهده عالیجاه ... خان ... نوشته شد که ... چهار دو نفر غلام ... باتفاق عالیجاه ... عالیجاه مصطفی قلی خان ... در ... مالیات

و انجام ... پیش ... داشته‌ایم ... مالیات ... مقرر داشته ... نموده‌ایم ... عالیجاه ... خان

گرده ... در باب ... و مخارج لازمه ... مالیات ... متضمن مصلحت ... مالیات ... در ...

رضا ... در ... لزوم ... قرار ... بعرض حضور والا رسید ... در امور مالیات ... خدمت را ...

... خان ... در انجام مطالب ... اهتمام تمام ... آورده ... خسارت ... خان شده ... در

... خسارت ... قراری ... است ... باشد ... این امر ... سرکار والا ... در صورت ... داده

... زحمت ... خدمت ... جهت ... صورت ... لازم ... خوشنودی ... از هر جا

و ... مقصر ... بقدر زحمت و خدمت ... در انجام ... خرج و خسارت ... مضایقه ... نکرده

معروض

بعهده عالیجاه ... همین مضمون

معروض

به ... نوشته شد ... میرزا ... از قراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه نوشته است ... از ... دو ...

مبلغ ... هزار ... از ... داده ... جواب ... حساب ... حساب ...

معدن ... چند روز ... او ... خواهش نموده ... در باب ... طلب ...

باشد ... حضرات ... محاسبه ... را ... لازم ... جهت ... بهتر ... مطالب ... اصرار ...

و ... کار ... که ... مطالب ... معلوم ... حساب ... خواهید بود

... محاسبه ... بشود و الا ... خواهید نمود ... قرار ... کار ... عالیجاه ...

... نموده ... کیفیت ... جواب ... موجب قطع ... حساب ... میرزا ...

ارسال دارید ... معدن ... اسکات ... نگارد

شهر جمادی الآخر

معروض

بنده درگاه مامون خان حاکم [illegible] شرح اینکه — در باب [illegible] محمد [illegible] عبد الحسین [illegible] غارت آن [illegible]

عبد الله [illegible] — محمد [illegible] — [illegible]

اهالی [illegible] محال [illegible] و مقرر داشته [illegible] غارت را [illegible] که با حضور [illegible] و رسیدگی کند [illegible] احوال [illegible] یکصد و پنجاه [illegible]

بهزار و پانصد دینار [illegible] در صورت صدق [illegible] عایه وارد [illegible] را بر کار [illegible] روانه کند از قرار [illegible] جنرال قونسل [illegible]

والا [illegible] داشته [illegible] رای [illegible] را [illegible] کرده [illegible] کنند [illegible] در مطالب [illegible]

در [illegible] حاضر [illegible] در حاضر [illegible] جایز داشتن [illegible] مقرر [illegible] عالیجاه [illegible] مامور و مقرر میداریم [illegible] زیارت

رقم مبارک [illegible] که [illegible] آورده [illegible] کند [illegible] را [illegible] مامور [illegible] ارسال کند و [illegible]

[illegible] روانه رکاب [illegible] الان [illegible] مقرر [illegible] عالیجاه [illegible] مامور داشته [illegible] رفته [illegible]

[illegible] وارد

معروض

بنده درگاه [illegible] خان [illegible] شرح اینکه — [illegible] مطالب [illegible] جنرال قونسل [illegible] خواهش نموده

[illegible] از اطراف [illegible] ملاقات [illegible] قرار [illegible] مطالب [illegible] را [illegible]

صاحب منصب مامور [illegible] معلوم [illegible] ملاقات [illegible] مامور [illegible]

[illegible] صاحب منصب [illegible] ملاقات [illegible] مطالب [illegible] لهذا [illegible] خواهش [illegible]

[illegible] زیارت رقم [illegible] صاحب منصب مامور [illegible] شخصی [illegible]

عرض [illegible] جواب [illegible] صاحب منصب [illegible] قرار مطالب [illegible]

[illegible] جواب عرض [illegible]

معروض

بنده درگاه محمد حسین خان حاکم [illegible] شرح اینکه — از قرار [illegible] عالیجاه [illegible] میرزا [illegible] نوشته عالیجاه جنرال

[illegible] روسیه [illegible] در ایصال [illegible] ایصال [illegible] تکلیف [illegible]

لهذا عالیجاه [illegible] مامور و مقرر میداریم [illegible] عالیجاه [illegible] موافق [illegible]

از [illegible] عالیجاه [illegible] شامل [illegible] روانه رکاب [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible] مامور داشته [illegible] مقرر [illegible] مرتب [illegible]

معروض

بنده درگاه [illegible] خان حاکم [illegible] شرح اینکه — از قرار [illegible] عالیجاه جنرال قونسل [illegible] نوشته است [illegible]

[illegible] روانه [illegible] حسین [illegible]

[illegible] جواب [illegible] طایفه [illegible]

توقف [illegible] عالیجاه [illegible] مامور و مقرر میداریم [illegible] حسین [illegible]

[illegible] لهذا [illegible] عالیجاه [illegible] مقابل [illegible] روانه

رکاب [illegible] عالیجاه [illegible] احقاق حق [illegible]

[illegible] در حال تحقیق [illegible] روانه [illegible] وارد [illegible]

[illegible] رکاب [illegible] حقیقت [illegible]

عرض [illegible] جواب [illegible] مقرر [illegible] عالیجاه [illegible] مامور داشته [illegible] مقرر [illegible] دارد

معروض

بنده درگاه [illegible] خان حاکم [illegible] شرح اینکه — از قرار [illegible] عالیجاه جنرال قونسل [illegible] در طبق [illegible] بزرگ [illegible]

[illegible] داشته است [illegible] طایفه [illegible] مصطفی [illegible]

حسین [illegible] برادر [illegible] — حسین [illegible] با زوجه او [illegible] — [illegible] با زوجه [illegible]

[illegible] محمد

[illegible] با زوجه او — [illegible] با زوجه اش — [illegible] با زوجه اش [illegible]

[illegible] با زوجه اش [illegible] — [illegible] با زوجه اش [illegible] — [illegible] حسین با زوجه اش [illegible]

[illegible] با زوجه اش [illegible]

[illegible] حسین

[illegible] در میان طایفه [illegible] عالیجاه [illegible]

[illegible] لهذا عالیجاه [illegible] مامور [illegible] مقرر میداریم [illegible]

[illegible] مامور [illegible] وارد [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible] مقرر [illegible]

مامور داشته [illegible] مقرر [illegible] دارد

شهر رجب المرجب

سنهٔ سیچقان ئیل ۱۲۶۰

معروض

تعهد عالیجاه [illegible] خان حاکم طالقان [illegible] امر

در باب [illegible] علمای [illegible] و تنخواه سر رشته [illegible] موافق خواهش جناب [illegible] زمان [illegible]

در حالت اینکه [illegible] در طهران [illegible] عرض کنند معروض [illegible]

تا حال جواب این عریضه رسیده و معلوم نشد که علما [illegible] داشته باشند از اینکه در این باب [illegible] رسیده [illegible]

لهذا مقرر میداریم که اگر آنجناب در این باب هم [illegible] علما [illegible] در زیارت رقم والا [illegible] روانه کنند [illegible] علما [illegible]

[illegible] داشته [illegible] عرض کند [illegible] در هر صورت جواب هم [illegible] داشته شدن علما [illegible]

معروض

تعهد عالیجاه قاسم خان امیر تومان [illegible] سابقا در باب [illegible] رعیت [illegible] مبلغی اموال [illegible] از میان طایفهٔ [illegible]

[illegible] در خصوص [illegible] رقم مبارک صادر و مخصوص مأمور شده است [illegible] انجام [illegible] ندوار [illegible]

[illegible] ارفت [illegible] ساعت [illegible] جنیع [illegible] لذا [illegible]

را به الجمعی عالیجاه [illegible] خان امیر تومان [illegible] میان طایفهٔ [illegible] دیوان [illegible]

[illegible] اموال [illegible] در میان طایفهٔ [illegible] عهده [illegible] رضای اولیای دولت [illegible]

لهذا عالیجاه [illegible] مأمور [illegible] در زیارت رقم مبارک [illegible]

[illegible] طایفهٔ [illegible] طایفهٔ [illegible] روانه [illegible]

[illegible] از عهدهٔ غرامت اموال [illegible] رعیت [illegible] دیوان [illegible]

[illegible] مقرر [illegible] دارد

شهر شعبان المعظم

معروض

تعهد عالیجاه میرزا کاظم خان [illegible] امر

[illegible] در رکاب [illegible]

لازم [illegible] مقرر میداریم [illegible]

[illegible] مأمور [illegible]

مقرر داشته ایم [illegible] میرزا کاظم خان [illegible] در رکاب [illegible]

شوال المکرم	فور	

معروض

تعهد عالیجاه [illegible] حسین خان حاکم [illegible] سابقا در اموال [illegible] رعیت [illegible]

[illegible] صادر [illegible]

[illegible] الجمعی عالیجاه [illegible] خان امیر [illegible] رعیت [illegible] لهذا عالیجاه [illegible]

[illegible] مقرر میداریم [illegible] اموال [illegible]

[illegible] مأمور [illegible] رکاب [illegible] عالیجاه [illegible]

[illegible] مقرر [illegible] دارد [illegible]

تا تحقیق شود

معروض

تعهد عالیجاه [illegible] خان امیر تومان [illegible] در خصوص [illegible] اموال

[illegible] رعیت [illegible] امیر تومان [illegible]

[illegible] اموال [illegible] رعیت [illegible]

[illegible] تقویت [illegible]

[illegible] لذا [illegible]

مأمور [illegible] مقرر میداریم [illegible]

[illegible] رکاب [illegible] رعیت [illegible]

[illegible] مأمور [illegible]

[illegible] مأمور [illegible] مقرر [illegible] دارد

معروض

حضرات [illegible] لشکر [illegible]

[illegible] خان [illegible]

رعیت [illegible]

لهذا [illegible] مقرر میداریم [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مأمور [illegible]

[illegible] مقرر [illegible] دارد

سکودری ١٢٦ [illegible]

حفظ به بنواب مصطفی قپودان پاشا زید اجلاله [illegible] زنوقر رفرمان قضاجریان حضرت همیون پادشاهی [illegible] الافلاق [illegible] ایکیلیق دریا [illegible]

صدور [illegible] بیکا عابری ذمتر و تزکره [illegible] تحریر ماده امتیاز و اعتبار اتخاذ [illegible] بنا کیزه [illegible] منظور [illegible] حال [illegible]

وجهة انتظام امر تذکره [illegible] معتبر شکالات [illegible] تعوز و سایر چند نفر سواره [illegible] تحریر [illegible] روز در قراوللر [illegible]

کسی رادون تذکره [illegible] عبد [illegible] ادعیه و عادیت [illegible] قراوللر [illegible] درجه [illegible] کهانه [illegible]

[illegible] مراقب احوال عابرین باشند [illegible] صاحب [illegible] درحق [illegible] همه ساله [illegible]

قراوللر

[illegible]	اسوره	رکور	بنار	[illegible]	٢ نفر سواره و عله
[illegible]	[illegible]	مرکو	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

کذران حفوظ [illegible] خدمت [illegible] قراوللر [illegible]

[illegible] قراوللر [illegible]

[illegible]

درانجا [illegible] قراوللر [illegible] کارکران [illegible]

[illegible] دفاتر [illegible]

[illegible] کاتب دفترخانه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سنه ... ۱۲۰۰

جمهره جات ... خان حاکم اردوبادی بهین سغون

رسم قراولخانه

[illegible]

تنمیر ... واحباب ... ولگوی ... هیرنی ... عتیق

جمهره جات ... حاکم ... بهین سغون

رسم قراولخانه

[illegible]

تنمیر قراول واجبات ... هیرنی ... عتیق

جمهره جات ... بهین سغون

رسم قراولخانه

[illegible]

تنمیر قراول واجبات ... عتیق الدولت

جمهره جات ... خان حاکم ... بهین سغون

رسم قراولخانه

[illegible]

تنمیر قراول ... عتیق الدولت

معصوم

جمهره جات قاسم خان ... حاکم ... امر ... که مجات ... در طبق اظهار ... بحضور کار

اشرف والا ... واظهار داشته است ... ولد ... قریه ... قراجه ... ورانی ... است ... تقصیر ... اورا ... که قرار ...

شاه ... اورا بانعام ... باتازیانه ... سال روانه ... فرصت یافته ...

هزار و ... قریه ... قراجه ... بن ... مشار الیه

... اورا ... اعمارت اورا ... لهذا عالیجاه

...

و مراقبت ... مشار الیه را باموریت ... در قریه ... قبض رسیده ... سال حضور

مبارک ... قبض ... مشار الیه ... عالیجاه ... فورا ... محصل داشته

بطوریکه مقرر داشته ایم مرتب و معمول وارد تکلیف دیگار نشاید

مهر سعادت العظمی

بعهده عالیجاه محمد حسن خان حاکم تکیسین شرح آنکه از قراریکه عالیجاه شهباز خان بوغاتی بعرض حضور والا رسانیده این روزها مراد بر کمال طالع ابراهیم است عالیجاه بوک

خان پسر حسن خان بوغاتی مزاحم و متعرض خانه و کسان او شده فاروار بار او را که چاپیده و قدری از اموال و مخلفات آنها را غارت نموده است بنابقاعده آن عالیجاه مقرر و ایشیخ

امور سرحدداری سرحدات آنجا از قرار فرمان مجلس محمد بعهده مرحوم حسن خان بعهده عالیجاه فرستاده تعیین سرحد دار بوقوف و قضایای ایشان او باز است قادر است

و مراتب را برابر با این نوشته ام سرحدداری بهر کس محول فرمایند از انقرار رفتار نمایند ناشکر که بوالا است بوک خان را در رفع ایشان مراجعت

بعیال و کسان او باید لهذا بعهده آنعالیجاه مقرر میداریم که خود غور رسیدگی در مورد بوک خان نموده و حق کسان او را نموده باید بموجب آن عالیجاه

غارت و خسارت آنها را گرفته عاید دارد و از طرفین التزام بگیرد که دیگر از این نسبت تکیسان اهدی بر حساب تو به تقصیر و اعلان نماید دلیل مرجح معاملة شوند

و هر یک مشغول زراعت و امر زراعت خود باشند تا رادت و با امتداد تمانینه و در باب سرحدداران که بهر گونه او بار جهت قادر محمود اعلام فرمایند

از انعقاد بعمل خواهند مقرر است آنعالیجاه یک عهده امور دانسته حسب المقرر مرتب دارد

بعهده عالیجاه محمد حسن خان حاکم تکیسین شرح آنکه از قرار یکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در رقعه محضر کار اشرف والا نوشته است در سال گذشته منشی

مأمور تیپ باراین و یک راس قوپان از دال محمد رحیم سهیدی را حمورنیق دارالرش را بنها بسرقت رفته بعم است محالد ایزز تعقیب و تجسس را نموده راس ازها و یا بها

مزبور را او براه بتوجه بقول بود و مبلغ از سکنه به برادر است و رسید نهاده است و دیگر اظهار و داشته در جناب که از کنوار این الطرف کمال و حقیقت را اعلام آورده

محمد شاه و عاید او را مشخص نموده لهذا آن عالیجاه یک راس امور و مقرر میداریم هر آنعالیجاه قدغن اکید نماید که یک راس سرقه رعیت دولت بهیه روسیه را اوبلطفان

در نزد مبلغ از سکنه و فرار بوده و هرچه یافته با اخبار شده را به سرد داشته تیم محال را با اتفاق مامور سرکاری روانه است تا بینه را باید نهایت اهتمام و را استرداد

و ایصال این مامور و سرقه عمل آورده بطور مقرر مرتب دارد و قیض در رفع این مسئله از محال در باب سفارت و ارسال دارند مقرر است آنکه عالیجاه

خود را مامور دانسته حسب المقرر مرتب دارد

مهر سعادت العظمی

شرح آنکه با اعلام رأیت لایق شایسته عالیحضرت مستطاب حضرت حاجی عبدالمجید چاووش معروض حضور والا داشته از قرار

جداگانه او با چاووش باشی حجاج و زوار ممالک آذربایجان و محمود امین از قرار رقمی جناب جلالت ماب اجل اکرم اتابک اعظم امیرکبیر با حشم مقرر است که ممالک شغل

خود بعهده او باشد برای تحصیل معاش خود که آنچه بر عالی چراغ دولت ابد مدت قاهره شغلی لهذا اگر خود این قسم مبارک والا را اصدار و مقرر میداریم که

السابق شغل چاووش باشی گری آذربایجان بعهده او محمد بعهده دیگری مرافعه تا آن باشی اسپ در تحصیل رضا دارد که حجاج و زوار سعی و اهتمام تعلل آورد

از مراقبت احوال آنها فروگذاشت جایز ندارد و با سایر چاووشان موافق قرار داد قدیم رفتار کند رعایت احوال آنها را لازم شمارد مقرر آنکه

عموم چاووشان مملکت آذربایجان عالیحضرت مشارالیه را چاووش باشی دانسته از خرف حساب و صلاح و صواب دید او تجاوز ننمایند و در رسومات

و اداراتیات بقرار سابق رفتار کنند

بعهده عالیجاه مهر رحیم خان حاکم خوی شرح آنکه لذوقرار یکه بمبلغ حضور والا در باب قدری اثاث و اجناس بر موجب ذیل الیاد الذکر

اشیاء:

- لحاف عدد
- قالیچه عدد
- سکه عدد
- سماور عدد
- سماور اشر عدد
- قهوه‌خانه عدد
- لوله عدد
- زرده عدد
- کاسه عدد
- حقه عدد
- پشتی عدد
- ... عدد
- عرق گیر عدد
- قاورمه عدد
- ... عدد
- ... عدد
- احمد کمال عدد
- محمود کف عدد
- جاجیم عدد
- منع و دهنه عدد
- انگشتر طلا عدد
- قانون ... عدد

جهان ساز خانیان دارند سیاه دیگ امانت بوده است و دفینه سایر دیگر فرار نکرده ولی معینه عنایت میکرده اوم اجناس مزبوره را

در نقد سهیم نقیریه به مبلغ ... وقت ... امانت گذاشته است چون در نقد رسم اموال مرقومه حاجی اسد داراییک

بنقد لهذا مقرر میداریم که آن عالیجاه عوض نقد نموده در صورت اسد داراییک در نقد اثاث بعضه در نقد سایر دیگ داده

در بین سهم نقیریه امانت گذاشته بوده بنده قدغن کند تمام اجناس مزبوره را در نقد سهیم نقیریه مشارالیه گرفته تسلیم اسد داراییک

نماید

معروض — عهده عالیجاه احمد خان کارپرداز مقیم تفلیس شرح اینکه سابقاً در باب مطالبات مرحوم الحاج حاجی محسن تاجر تبریزی و حاجی علی اکبر تبریزی [illegible]	نمره ۱
[illegible]	

معروض — عهده عالیجاه میرزا [illegible] خان کارپرداز [illegible] مقیم [illegible] شرح اینکه [illegible]

[illegible]

معروض — عهده [illegible] شرح اینکه [illegible]

[illegible]

معروض — عهده عالیجاه [illegible] خان کارپرداز اول مقیم تفلیس [illegible]

[illegible]

معروض — عهده عالیجاه احمد خان کارپرداز [illegible] [illegible]

[illegible]

شهر شعبان المعظم	نمره	سنه تنگوزئیل ۱۲۶۲

بعهده عالیجاه عیسی خان ایلخانی [illegible] نگاشته — بمقام امام الجزیره حاجی میرجلال در امور برقت رفته بعد حاجی سرکار [illegible] اگر بواسطه عموم
تشخیص ترکیب [illegible] قربان کرده است از قراریکه عالیجاه [illegible] حضور مبارک کرده است که از گمان کرده [illegible] که [illegible]
محرمانه [illegible] بعینه در نزد او حاضر و موجود است در نصورت [illegible] عالیجاه [illegible] حاجت [illegible]
دریافت شود لهذا مقرر میداریم [illegible] بعد از زیارت مطبوعه رقم داده قدغن نماید و مراقب باشد حاجی میرجلال در عوض [illegible]
از عالیجاه [illegible] تمام [illegible] بورود [illegible] که [illegible] محرمانه [illegible]
همراه او را از ترکیب [illegible] و عالیجاه صاحب [illegible] نماید و اهتمام کند که در این میان [illegible]
و در صدر شغل [illegible] اتحاد و ترکیب [illegible] هم [illegible] نماید [illegible] حسب المقرر مرتب دارد

بعهده عالیجاه میرزا [illegible] کارپرداز [illegible] نگاشته — امیرالامراء [illegible] عالیجاه یوسف خان [illegible]
[illegible] عثمانی [illegible] در [illegible] اتفاقات [illegible] عالیجاه [illegible] مراجعت [illegible]
و بعضی در طایفه [illegible] مراجعت [illegible] و [illegible] کارگذاران [illegible]
و [illegible] با نخ [illegible] قدری زراعت و اعیان در [illegible]
[illegible] لهذا بعهده آنعالیجاه امر و مقرر میداریم که کارگذاران [illegible] عالیجاه [illegible]
[illegible] راه [illegible] زراعت و [illegible] و غیره [illegible]
دیار و [illegible] احیا [illegible]

بعهده عالیجاه [illegible] — در قراریکه [illegible] حضور [illegible] داده [illegible] در [illegible] بواسطه [illegible]
[illegible] قیمیان [illegible] از [illegible] عالیجاه [illegible]
طایفه [illegible] بعینه [illegible] عالیجاه [illegible]
و در صدر شغل [illegible] لهذا مقرر میداریم [illegible] بعد از زیارت
مطبوعه رقم داده [illegible] عالیجاه [illegible]
[illegible] شغل [illegible] داده روانه کند
[illegible] تقصیر [illegible] در [illegible] حسب المقرر معمول دارد

شهر شعبان المعظم	نمره	

بعهده عالیجاه عباسقلی خان حاکم ساوجبلاغ نگاشته — از قراریکه [illegible] به ترکیب [illegible] کارگذاران [illegible] اقدام
داشته [illegible] موافق [illegible] عالیجاه [illegible] مقرر [illegible]
[illegible] عوض [illegible]
در [illegible] کار [illegible] از قراریکه [illegible]
[illegible] عالیجاه [illegible] لهذا بعهده آنعالیجاه امر و مقرر میداریم
[illegible] عالیجاه [illegible] قرار داده [illegible]
و [illegible] اهتمام [illegible] طلب کرده [illegible]
ساوجبلاغ [illegible] مراقب [illegible] عالیجاه [illegible]
[illegible] نماید [illegible] اهتمام [illegible] مقرر مرتب دارد

بعهده عالیجاه [illegible] خان [illegible] نگاشته — از قراریکه عالیجاه [illegible] عثمانی [illegible] عالیجاه سلیم پاشا [illegible] کارگذاران [illegible]
[illegible] سلیم پاشا [illegible] است [illegible] کردستان رفته [illegible]
[illegible] حاکم ساوجبلاغ [illegible]
[illegible] جمعیت [illegible]
[illegible] کارگذاران [illegible] ارباب [illegible]
[illegible] حرکت علیه [illegible]
[illegible] کارگذاران [illegible]
[illegible] لهذا مقرر میداریم
[illegible]
[illegible]
نهایت مراقبت در [illegible] حسب المقرر مرتب دارد

بعهده عالیجاه عباسقلی خان حاکم ساوجبلاغ [illegible] نگاشته

شهر شعبان المعظم	نمره	

معروض

مهرده عالیجاه قاسم خان حاکم قراجه داغ شرح آنکه — ازقراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در ذریعه که بسرکار اشرف والا قلمی داشته است قریب یکماه و [illegible] هفت راس اسب چهار رعوامی [illegible] ده مغر [illegible] دولت مشار الیها را که قاسم خان نکشابر قدر و بعضی از حاجیان آنطرف گذشته [illegible] از رعیت و [illegible] و اسیر اسلام و اهل [illegible] این حدود و در روسیه سرد ذره [illegible] مزبوره بسته [illegible] است بانکه از کارگذاران آنطرف [illegible] قاسم خان آورده بعضی از اموال سرد [illegible] از ترکیبی ترده عاید [illegible] است و طبق اظهار [illegible] مقرر سیدارم که [illegible] باموریت عالیجاه عزت و سعادت نشان علی محمد بیک غلام [illegible] از ترک اموال [illegible] منسوبی [illegible] تحقیق [illegible] آنها فراری [illegible] باشند و سارق اموال مزبوره است و عوامی سرد [illegible] مشار الیه را [illegible] تسلیم [illegible] مامور سرکاری روانه است [illegible] و فراری [illegible] روانه [illegible] که [illegible] در صورت صدق اموال سرد [illegible] حاکم کند [illegible] رسید که دریافت [illegible] از ارتکاب آنها شخص [illegible] با مامور سرکاری روانه [illegible] رکاب مستطاب [illegible] جنرال قونسول [illegible] عالیجاه عزت نشان علی محمد بیک [illegible] مامور دانسته حسب المقرر [illegible] دارد

[illegible]

معروض

مهرده عالیجاه احمد خان [illegible] — ازقراری که [illegible] [illegible] سابقا کارگذاران [illegible] روانه [illegible] [illegible] [illegible] مزبور را [illegible] [illegible] بعد [illegible] جواب داده [illegible] بیشه [illegible] [illegible] مزبور [illegible] [illegible] جواب داده [illegible] [illegible] اسمال مزبور [illegible] کارگذاران [illegible] جنرال قونسول [illegible] کارگذاران [illegible] مزبور [illegible] [illegible] [illegible] مشار الیه [illegible] [illegible] [illegible] اتفاق [illegible] مشار الیه را [illegible]

شهر شوال المعظم	نمره	سنه ۱۲۶۲

معروض

مهرده عالیجاه محمد حسن خان حاکم [illegible] شرح آنکه — ازقراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در طبق [illegible] بزرگ [illegible] نکرانی [illegible] [illegible] [illegible] داشته است حیدر نام [illegible] در [illegible] [illegible] گذشته در میان طائفه [illegible] است چون [illegible] مشار الیه [illegible] [illegible] لهذا عالیجاه [illegible] [illegible] مقرر میداریم [illegible] حیدر مزبور [illegible] باموریت عالیجاه مشار الیه [illegible] مبارک [illegible] کارگذاران [illegible] عالیجاه [illegible] حسب المقرر [illegible] دانسته [illegible] مقرر دارد

معروض

مهرده عالیجاه قاسم خان حاکم قصبه [illegible] — ازقراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در ذریعه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] سیصد [illegible] [illegible] [illegible] لهذا عالیجاه [illegible] مقرر میداریم [illegible] [illegible] [illegible] کارگذاران [illegible] [illegible] احقاق حق [illegible] عالیجاه [illegible] مقرر دارد

معروض

خطاب [illegible] — [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] احقاق حق [illegible]

سنهٔ تنگوزئیل ۱۲۶۴

معروض

بعهدهٔ عالیجاه عباسقلی خان حاکم ساوجبلاغ شرح آنکه   در باب طلب خواجه یعقوب زرتوف یاجرانعیت دولت بهیه روسیه از خان جوپک کی ساوجبلاغی

اظهار رکارگذاران دولت بشار الیها رقم صادر و محصل هم فرستاده ام که طلب خواجه بشار الیه را از مقروض گرفته بدهد چون گذشته افزون باز نیامده داشته باورده طلب

طلب کرده چون احمد بیک بشار الیه تا حال وجه طلب مجرده را بامور رکار فرستاد و اسلیم و کارسازی نکرده و او را ماطل نموده است بناءً علیه کارگذاران دولت

بشار الیها مجدداً در خصوص تکار گذاران رکار دولت اظهار و شکایت کرده اند لهذا آن عالیجاه را مقرر میداریم که فوراً بجبه و شدید تا بر اول مقروض مطلوب

طلب بشار الیه را بدون تأخیر بیکجا بنفد تسلیم و کارسازی نموده بر کارگذاری بایع آورد و بصاحب طلب برد که دالد شواد را با اتفاق ماموری فرستد رودانه نمایند کسوادی

معروض

بعهدهٔ عالیجاه محمد رحیم خان حاکم خمسه شرح آنکه   از قراری که عالیجاه احمد خان کارگذار دولت علیه قاهره مقیم تفلیس نوشته در باب طلب حاجی علی است

از ابراهیم سقیم و یوسف یهودی و ارد ولیکه رکارگذاران دولت رکار اظهار شده و اعتماد داشته است عالیجاه بشار الیه طلب حاجی علی را از ابراهیم

و یوسف نامان یهودی مقرومن اظهار است چهار نفر از یهودیان سماسی در تفلیس محمد خان حاکم تفلیس موازی شفت تمانت ضرر دو روزه

بحاجی علی کارسازی نماید چهار نفر حرز بودی که اسامی آنها در قرار تفصیل ذیل است مرقوم شده است بنادری خوش نگاه رکارگذاران دولت علیه روسیه

حقا ابراهیم ولد لولو   هارون ولد مهدی   ابراهیم ولد ...   عسکر ولد سلیمان

تا بحال در اظهار و نگذاشته بخواهی رای حاکم تفلیس آنها از راه تعلیق داده چون در قرار کاغذ عالیجاه بشار الیه چهار نفر بوده اند

از عهدهٔ شفت تمانت برآمده و ماتقی طلب حاجی علی در استعمال و اجناس ابراهیم و یوسف و ارباب نامان ابراهیم سقیم و یوسف یهودی

دعوی داد الصال شده لهذا عالیجاه محمد رحیم خان مقرر است که مامور و مقرر میداریم که قوراً آنکه بماتقی دولت علیه ماتان بشار الیه

موازی شفت تمانت حرز بوده را در استعمال چهار نفر حرز بوده در هر کی بنه و حاجی علی مرتب نماید و بدون تعلق دلگاهی کرده

عاید دارند و ماتقی طلب ادرا هم از قرار تمسک قرب مفصه قبالی حاجی در استعمال را در میان ابراهیم سقیم یوسف یهودی

هم در سماسی دارند و همچنین کارسازی حاجی علی نماید و تکر حاجی علی رفته مرتب کند هم از بحث ابراهیم سقیم و یوسف یهودی

تحفظ هر دو نفر یهودیان سماسی حاضر شود از نموده بقرار حکم این اموزه معدل باقی طلب حاجی عاید کرده حاجی طلب نماید

هم احقاق حق نمود و دیگر اتمام این فقره در اینجا صورت نگیرد اگر هر یک از یهودیان را هم مرخص نماید و داشته باشد حاجی علی

با اتفاق ماموری کارسازی رودانه رکاب مستطاب دارند که هم عذری در احقاق نمود مقرر تکه عالیجاه محمد رحیم خان که مستشعر و مامور

دانسته بعلیه که امر و مقرر فرموده اند مرتب دارد

معروض

بعهدهٔ عالیجاه قاسم خان امیر بهشت حاکم ... شرح آنکه   از قراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در کشور اظهار داشته است محمد نام ... خان

اهالی قریه ... ارانکنان ... بصد سالها رزو ... از قریه مزبور ... گذشته است ... که دارا معدل چهار ده تمانت ارزش داشته

با سرگذاری کرده و دیگر هم آورده ... قیمت آن میان ... اهالی قریه مزبوره ... همراه خود برده داشته برده است چون عالیجاه بشار الیه خواهش اعاده خسارت مزبور را ... بهای

معلوم نشده کدام قرار ... آمده است لهذا مقرر میداریم که ... ابراهیم ... الحمد ... خود ... خسارت مزبور را با موجب اعلام دارد در ایامی

جعفر ساله   ... القاسم   ... ابراهیم   ... شمر   داود ...

و چون نقصه از اهالی ... داده ... دانسته ... سرداران ... دریافت داشته اند ... النصف الثام

از قرار قبض عالیجاه جنرال قونسول اظهار شده و اگر آنکه خسارت مزبور با نصفات معلوم شود و هر اثری در آنجا ابراز اطمینان جواب بکارگذاران سرکار اظهار دارد که از

جواب بکارگذاران دولت بهیه روسیه ... حسب المقرر مرتب دارد

شمال ... ۱۲۶۴ ... قاسم خان ...

معروض

بعهدهٔ عالیجاه محمد حسن خان حاکم ... شرح آنکه

... الحکم ... ابراهیم ...

معروض

بعهدهٔ عالیجاه محمد حسن خان حاکم ... شرح آنکه   از قراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در طبق اظهار عالیجاه ... قورنیه در ...

کبفیت دکارانی ... داده اند که ... مقصد ... است ... عالیجاه بشار الیها در ...

عرب ... ولد ... عباس   ... ولد حسین ... جعفر   ... ولد ابراهیم ...   شاه محمد ولد مصطفی ... درد

رکب ... شال ... با دولت ... که ... و غیره ... اسباب ... برده و ... گرفته در ...

عالیجاه ... خان ... چون عالیجاه بشار الیه ... اعادت ... مزبوره را با ... است لهذا

عالیجاه   مامور و مقرر میداریم ... که ... مقصد فرق را با ... عالیجاه بشار الیه

در آنجا ... برده ... بزرگ ... تقسیم کنند ... قبض ... مبارک ... کار

بکارگذاران ... جواب ... بشار الیها ... قبض را ... تعلیق ...

مقرر تکه عالیجاه   حضور ... مامور دانسته بعلیه مقرر مرتب دارد

ارسال

معروض

حواله برات مصطفی غایبزاده — از قرار که کارگزاران دولت بهیه روسیه نگارش کرده‌اند که غالباً از بابت [illegible] طهران [illegible]

اقامه دعوی از غایبزاده [illegible] مبلغ یکصد و شصت تومان بخوابه [illegible] معروض نموده است یکصد و [illegible] از بابت [illegible]

[illegible] که باقی را در شصت و پنجاه باشد [illegible] داشته [illegible] عالیجاه صاحب [illegible] کرده است [illegible] کاشغان [illegible]

[illegible] به ایشان [illegible] برادر کارگزاران [illegible] رسید [illegible] مطالبه [illegible]

[illegible] گذشته توافق قاعده [illegible] تسلیم [illegible] عالیجاه صاحب [illegible] شکایت [illegible] کاشغان

[illegible] مقرر [illegible] عالیجاه [illegible] لازم [illegible] بعلاوه مقرر مرتب دارد

معروض

[illegible] عالیجاه [illegible] خان حاکم [illegible] که — و [illegible] از بابت [illegible] جمیع [illegible] دولت [illegible]

[illegible] عالیجاه صاحب [illegible] شده [illegible]

[illegible] قرار [illegible] دولت [illegible] اهتمام که [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible] حسب المقرر مرتب دارد

معروض

[illegible] عالیجاه [illegible] کاظم خان [illegible] که — از قرار که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه نگارش [illegible] کارگزاران [illegible] اظهار داشته است [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible] بعد [illegible] عالیجاه [illegible]

[illegible] دارالسلطنه تبریز [illegible] کارگزاران [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible] مقرر [illegible] حسب المقرر مرتب دارد

معروض

[illegible] عالیجاه [illegible] خان [illegible] که — از قرار که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه نگارش کارگزاران [illegible] اظهار داشته است [illegible]

[illegible] دولت بهیه روسیه [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible] مقرر [illegible]

[illegible] دریافت و ایصال [illegible] مقرر [illegible] حسب المقرر مرتب دارد

ارسال

معروض

[illegible] خان حاکم [illegible] که — از قرار که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه نگارش کارگزاران [illegible] داشته است [illegible] خان [illegible]

[illegible] عالیجاه مصطفی خان [illegible] گذشته [illegible]

از [illegible] در [illegible] سنه ١٨٥١ [illegible] از [illegible]

حسین ولد [illegible] زوجه [illegible] دختر [illegible] در دوم [illegible] ١٨٥١ [illegible]	حسین ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]
[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible] عباس [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible] جعفر [illegible]	[illegible] ولد حسین زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]
[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	رحیم ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]
[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	مصطفی [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]
[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد مهدی [illegible]	[illegible] ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]
[illegible] ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]	عباس ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]
[illegible] ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]			

از [illegible] سنه ١٨٥١ [illegible]

[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	[illegible] ولد [illegible] زوجه [illegible]	ولی ولد [illegible]

از [illegible] سنه ١٨٥١ [illegible]

[illegible] ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]	[illegible] ولد [illegible]

[illegible] ولد مصطفی زوجه [illegible]

[illegible] مصطفی [illegible]

[illegible] اعتراف کرده است [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible]

[illegible] مقرر [illegible] حسب المقرر مرتب دارند

[illegible]

رمضان		
		عهده عالیجاه ... خان حاکم ... شرح آنکه [illegible]
		[illegible]
		... حسب التقریر رتبه دارد
شهر شوال		عهده عالیجاه ... حاکم ... شرح آنکه از قراریکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible]
		[illegible]
		... حسب التقریر رتبه دارد

	شهر شوال	
		عهده عالیجاه ... خان حاکم ... شرح آنکه از قراریکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible]
		[illegible]
		... رتبه دارد
		عهده عالیجاه ابراهیم ... حاکم ... شرح آنکه [illegible]
		[illegible]
		... حسب التقریر ... رتبه دارد
		عهده عالیجاه ... خان حاکم ... شرح آنکه از قراریکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible]
		[illegible]
		... حسب التقریر رتبه دارد

[illegible]

۱۳۲۷

معروض

بعهده عالیجاه میرزا [illegible] خان حاکم خوی رجوع شود — از قرار راپورت عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible]

صغرشاه ولد غفار — قاسم ولد رفیع — اسماعیل ولد [illegible]

[illegible]

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] خان حاکم خوی رجوع شود — [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

معروض

بعهده [illegible] رجوع شود — از قرار راپورت عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه اظهار داشته است [illegible]

صغرشاه ولد غفار — قاسم ولد رفیع — اسماعیل ولد [illegible]

[illegible]

معروض

بعهده [illegible] رجوع شود — از قرار راپورت عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه اظهار داشته است [illegible]

صغرشاه ولد غفار — قاسم ولد رفیع — اسماعیل ولد [illegible]

[illegible]

مورود	نمره	سنه ... ۱۲۲۲

معروض

بوده عاجز قائممقام حاکم ... لذو قیدیکه عاجز جنرال قونسلوس بیه ... ایکن رقمنده ان دیوان اعلا

... داشته ... سالی ... ایکی ... نام ... مشارالیه‌یی ... اوده ... لکه بعضیلر افواه

در تفحص ... دقت ... بعد اولان ... نام ... اودر ... ۱۰

[illegible]

اوده ... عاجز محمد خان ... اوده ... محمد خان ... اوقات ... تبریز ...

محمد خان ... لکه ... عاجز ... لکه ...

خصوصیه ... محمد خان ... قادر ... اوده ... ایران ...

... عاجز ... مشارالیه ... مبارک ... عاجز

محمد خان ... لکه ... مشارالیه ... جناب ...

... محمد خان ... مشارالیه ... حضور ... جناب ...

... حضور ... خدمت ... رسانیدن ...

معروض

بوده عاجز محمد خان حاکم ... لذو قیدیکه عاجز جنرال قونسلوس بیه ... ایکن ... واقع

... داشته ... قبل ... ایکی ... اوده ...

... فرج خان ... عاجز مشارالیه ... اعادت ... قادر ...

... اولان ... لکه ... قراول ...

... بیه ... لکه ... مشارالیه

... عاجز ... حضور ... حسب ... اوده

معروض

بوده عاجز محمد رضا خان حاکم اردبیل ... لذو قیدیکه عاجز جنرال قونسلوس بیه ... ایکن ... اوده ...

... حب ... آقا ... رعیت روس ... معروض ... ازاینجا ... لکه ... در خانه ...

کوبلای ... صفر

والده محمد خان ... عاجز مشارالیه ... قرار ... اعادت ... قادر ...

... از جهده ... لکه ... عاجز ... قرض ... در ...

قادر ... روس ... عاجز مشارالیه ... اولان ... ایران ... لکه ...

... حضور ... قادر ... رعیت روس ... تبریز ...

... لکه ... عاجز ... حضور ... مسئله ...

معروض

... حاکم ... حضور ... اوده ... جمع داده

... موافق ... آقا ... الله

... جعفر خان ... الله ... شده داخله

... باطل ... مقرر ... معتبر ...

... مقرر ... معتبر ... اوده ...

... ارده ... معتبر ... داده ...

... حکم ... اوده ... اوده ...

... احکام ... اوده ...

[illegible]	نمره	سنه [illegible] ئیل ۱۲۶۲

معروض

بعهده عالیجاه عباسقلی خان حاکم ساوجبلاغ شرح آنکه — از قراری که بعرض حضور والا رسید اثبات طلب عالیجاه [illegible] [illegible] را از [illegible]

دولت [illegible] معتمد الخاقان [illegible] آن [illegible] ساوجبلاغ [illegible] [illegible] الدوله [illegible]

[illegible] داده [illegible] کارسازی [illegible] حال [illegible] از [illegible] تمسک [illegible] در ادای [illegible] دفع الوقت [illegible]

در [illegible] معتمد الخاقان مشار الیه [illegible] قرار داده [illegible] دفع الوقت [illegible] لهذا بعهده

[illegible] امر و مقرر میداریم [illegible] در [illegible] ساوجبلاغ [illegible]

[illegible] دارد [illegible] در خصوص [illegible] سابق [illegible] مشار الیها [illegible]

[illegible]

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] حاکم [illegible] شرح آنکه — از قراری که [illegible] بهیه روسیه [illegible] کارگذاران [illegible] از [illegible]

[illegible] از [illegible] دارالسلطنه تبریز [illegible] قریه دیگر [illegible]

[illegible] از [illegible] قریه دیگر از [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible] لهذا عالیجاه — [illegible] امر و مقرر میداریم [illegible] عالیجاه مشار الیه [illegible]

از [illegible] قریه دیگر [illegible] از [illegible] تحقیقات [illegible]

[illegible] مشار الیه [illegible] قریه دیگر [illegible] دارالسلطنه

تبریز [illegible] کارگذاران [illegible] بهیه روسیه [illegible] مقرر آنکه عالیجاه

خود را مأمور دانسته حسب المقرر مرتب دارد

سنه [illegible] ئیل ۱۲۶۶	[illegible]	[illegible]

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] حاکم [illegible] شرح آنکه — از قراری که بعرض حضور والا رسید عالیجاه [illegible] خان [illegible] از قرارات معتبره بموجب [illegible] خواجه [illegible]

از قرار [illegible] عالیجاه [illegible] خان [illegible] خواجه [illegible]

[illegible]

[illegible] از [illegible] تمسکات [illegible] طلب او [illegible] دفع الوقت [illegible] بموجب تمسکات [illegible]

[illegible] خواجه [illegible] خان [illegible] [illegible] تمسکات [illegible]

[illegible] احقاق حق لازم است لهذا — [illegible] امر و مقرر میداریم [illegible] مطالبات او [illegible]

[illegible] تمسکات مطالبات او [illegible] از [illegible] حساب [illegible]

[illegible] کارگذاران [illegible] مقرر آنکه عالیجاه — [illegible] مأمور دانسته حسب المقرر مرتب دارد

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] حاکم [illegible] شرح آنکه — از قراری که عالیجاه جنرال [illegible] بهیه روسیه [illegible] کارگذاران [illegible]

[illegible] حاجی [illegible] طلبکار [illegible] طلب [illegible] احقاق حق [illegible]

[illegible] حاجی [illegible] از [illegible] [illegible] تمسک [illegible] طلبکار [illegible]

[illegible] طلبکار [illegible] طلبکار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از حاجی [illegible] اربابت [illegible]

[illegible] کرایه [illegible] طلب دارد [illegible]

[illegible] کرایه [illegible]

[illegible]

[illegible] لهذا عالیجاه عزت نشان [illegible] امر و مقرر میداریم [illegible] عالیجاه مشار الیه

از [illegible] دارالسلطنه [illegible] باطلاع عالیجاه جنرال [illegible]

[illegible] مقرر آنکه عالیجاه عزت نشان [illegible] خود را مأمور دانسته حسب المقرر مرتب دارد

نمره ورقه	روز	سنه توشقان ئیل ۱۲۶۷
		نمره . بتاریخ [illegible] ماه شرح ذیل است از قراریکه جناب جنرال قونسول دولت بهیه روسیه شرحی بکارگزاران سرکار در باره نوشته و اظهار داشته است حاجی یعقوب تاجر تبعه دولت مشار الیها مبلغی بفرزاد و بکمیه [illegible] و مقصد [illegible] دوازده صد چهار قران [illegible] رفته در کرمان [illegible] خود رو گشته و در کرمان [illegible] رفته [illegible] خانه او [illegible] و قریب [illegible] نفر سواره و پیاده [illegible] داشته ضبط و خود او در تبریز سه روز در [illegible] در خانه خود محبوس نگاه داشته [illegible] روز [illegible] و پسران و زوجه او [illegible] [illegible] شکوه و شکایت از قرار [illegible] بهای [illegible] کرده [illegible] و [illegible] ظلم و [illegible] مراتب [illegible] در صورت وقوع [illegible] استعجال دارد [illegible] و تبعه دولت مشار الیها [illegible] جناب مشار الیه [illegible] حاجی یعقوب [illegible] ساله گرفته شده [illegible] عزت نشان [illegible] داده و مقرر [illegible] [illegible] رقمی [illegible] حاجی یعقوب [illegible] [illegible] مشار الیه [illegible] ساخته [illegible] تشخیص [illegible] [illegible] حاجی یعقوب [illegible] کارگزاری [illegible] آنچه [illegible] حق نهایت اهتمام [illegible] بتاخیر و تعویق [illegible] موجب [illegible] شکایت کارگزاران دولت مشار الیها [illegible] مقرر آنکه [illegible] عزت [illegible] حسب المقرر [illegible] از [illegible] بانجام رسانیده [illegible]
		نمره . بتاریخ [illegible] ماه شرح ذیل است از قراریکه [illegible] سید حاجی یعقوب [illegible] [illegible] کارگزاری [illegible] [illegible] بعضی کسان [illegible] و [illegible] کاری که [illegible] جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در باب [illegible] امر او [illegible] کارگزاران سرکاری [illegible] کارگزاران دولت [illegible] [illegible] لهذا مقرر [illegible] میداریم [illegible] مبارک [illegible] بر خلاف حساب [illegible] [illegible] در نهایت [illegible] مزاحمت [illegible] رعایت احوال [illegible] مشار الیه [illegible] مقرر [illegible]

نمره ورقه	روز	سنه توشقان ئیل ۱۲۶۷
		نمره . بتاریخ [illegible] محمد حسن خان حاکم [illegible] شرح ذیل است از قراریکه جناب جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible] اظهار داشته [illegible] موجب [illegible] اموال [illegible] دولت مشار الیها [illegible] از قرار اظهار جناب مشار الیه [illegible] کارگزاران [illegible] و اموال آنها را [illegible] مشار الیه [illegible] اموال آنها [illegible] جناب جنرال قونسول [illegible] سرقه آنها [illegible] لهذا [illegible] مقرر میداریم [illegible] اموال سرقه [illegible] [illegible] باطلاع کارگزاران دولت بهیه روسیه [illegible] آن [illegible] و جواب [illegible] و اگر آنها را [illegible] دار السلطنه تبریز [illegible] جواب [illegible] مقرر آنکه [illegible] حسب المقرر [illegible] دارد
		نمره . بتاریخ [illegible] شرح ذیل است از قرار شرحی [illegible] دولت بهیه انگلیس [illegible] کارگزاران دیوان [illegible] دولت مشار الیها [illegible] بهیه [illegible] مقرر میداریم [illegible] دولت بهیه انگلیس [illegible] [illegible] احترام آنها را [illegible] در نهایت [illegible] مقرر داشته [illegible]

نمره ورود	سنه ۱۲۶۶
	[illegible]

و این قرین انجام شده و بموجب شکایت ... [illegible] ... حسب المقرر ... [illegible]

... [illegible] ...

حسب المقرر مرتب دارد

سابقاً در ایام حکومت نواب ... [illegible] ...

... [illegible] ...

ماذون ... [illegible] ... حسب المقرر مرتب دارد

نمره ورود	سنه ۱۲۶۶
	[illegible]

... [illegible] ...

نمره ورق	در	سنه ۱۲۶۶
		نمره ۱ … خان عالی … [illegible] … از وزارت امور خارجه … در باب مطالبات … [illegible]
		… کرده و خواهش … مطالبات … که است لهذا … سیاه … رسیده … [illegible]
		از باب … [illegible] … اموال …
		[illegible]

[illegible]

نمره ورق	در	سنه ۱۲۶۶
		نمره … از حمله … [illegible]
		[illegible]
		در باب … [illegible] … عبدالحمید …
		… عبدالحمید در … فوت شده و اموال او …
		هراج فروخته از زرات … خبر شده رفته …
		اموال هراج شده او را دریافت دارند
		جنرال قونسول … [illegible] … لهذا … سیاه … رسیده …
		… مطالبات … فوق … [illegible] …
		و آنچه عارت … است کرده … قبض رسید که دریافت دارند … [illegible]
		… اعلام … دریافت … جواب … [illegible] …
		… را … دارند

[illegible] ۱۲۶۷	نمر	نمره و ورقه
[illegible]		

[illegible] ۱۲۶۷	نمر	نمره و ورقه
[illegible]		

[illegible] اردو ... سلطان ... شاه ... [illegible]

و ... [illegible]

در باب ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

قراری و بعضی ... روپیه ... در هر چاره و تدبیر ... توقف کرده و قراری شده باشد دستگیر ... [illegible]

[illegible] ... سرکار ... [illegible]

[illegible] ... دستگیر ... [illegible]

[illegible] ... در عهده ... [illegible]

معروض

نمره عالیجاه محمد صادق خان حاکم اللهیار شرح اینکه [illegible]

[illegible] سلطنت [illegible] عمارت [illegible]

[illegible] جنرال قونسول [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] ۱۲۶۷

[illegible]

معروض

نمره عالیجاه ... خان حاکم قلعه ... شرح اینکه — از جمله مطالب ... قونسول ... دولت بهیه روسیه ... و غارت ...

محمد خان صاحب منصب ... جنرال قونسول دولت ... محمد خان ... آمده در کنار رود ...

در ... قریه ... چند نفر ... جعفر ... چهار ... قریه ... اسب ... نفر از ...

محمد خان از سواره ... آمده ... عبدالعظیم ... محمد ...

کرجی ... بسمت ... عبدالعظیم ... کرجی ...

در ... عبدالعظیم را از محمد خان ... علاوه ... محمد خان ... دولت بهیه روسیه ...

... مطالب ...

... مقرر ... عالیشان ... جواب ...

وجه ... عبدالصمد ... مقرر ... عالیشان ...

روانه ... دارالسلطنه تبریز ... جنرال قونسول ... روسیه ...

... مقرر ... مرتب دارد

معروض

نمره عالیجاه ... شرح اینکه — از ... جنرال قونسول ... کارگزاران ...

... قریه ... تبریز ...

... عالیجاه محمد ...

۲۵ ... عالیجاه ... کارگزاران ...

... کارگزاران ... جواب ... عالیجاه محمد ...

... حسب المقرر مرتب دارد

معروض

نمره عالیجاه محمد ... حاکم ... شرح اینکه — از جمله مطالب ... قونسول ... دولت بهیه روسیه ...

... خان ...

... عالیجاه ...

... عالیجاه ...

... دارالسلطنه تبریز ...

و احقاق حق ... مقرر ... عالیجاه ... حسب المقرر مرتب دارند

معروض

نمره عالیجاه محمد ... حاکم ... شرح اینکه — از ... جنرال قونسول دولت بهیه روسیه ... کارگزاران ...

... مصطفی خان ... دارالسلطنه ...

... عالیجاه ...

... جعفر خان ...

... جواب ... دولت بهیه روسیه ... مقرر ... عالیجاه ...

... حسب المقرر مرتب دارند

معروض

عالیجاه محمد حسن خان حاکم مشکین شرح اکه — از جمله مطالب ... قونسول ... فقره مفقود شدن ... شهاب ... رعیت روس است ... از قرار اظهار عالیجاه

جنرال قونسول دولت ... سرقت ... سرقه ... خان ... عزیز ... بخلاف آمده ...

... حاکم ... مشکین ... سرقه را ... عزیز ... قاسم ... دار الفتح ... مطالبه ... ترسان زر

که جوابی رسیده ... ابتدا ... سابقا حکم صادر و مقرر داشته بودیم ... زر را ... گرفته تسلیم

صاحبان نماید ... زر را ... دار السلطنه تبریز ... غرایی ... اتباع ... فقره

معوق مانده است لهذا عالیجاه ... امور ... مقرر میداریم ... ؟روز دار الفتح ... زر را ... گرفته

... سرقه را از آنها دریافت ... تسلیم ... خان ... ؟ زر را به صاحبان است ... کلانتران ... بخلاف گرفته ...

... زر را ... رکاب مستطاب ... بالا طلوع عالیجاه جنرال قونسول در باب ... زر ... قرار

... مقرر ... عالیجاه ... معمول ... داشته ...

معروض

عالیجاه محمد حسن خان حاکم مشکین شرح اکه — در باب ... فرار ... جعفر قلی ... آمده از سرحد جنرال قونسول دولت

بهیه روسیه اظهار داشته و حکم صادر و مقرر داشته ... عالیجاه ... عالیجاه ... از طرف ... ایالت ...

فراریان ... تفصیل ... دارند ... قلعه ... موجب ... کشته شده

... سلطان ...	... خان ولد ...	... خان ولد ...	جعفر خان ولد ...	... ولد ...	... سلطان	محمد ... ولد ...	عبد الله ولد جعفر خان	... ولد ...	... ولد ...
... ولد ...	... ولد ...	... خان ولد ...	... ولد ...	... ولد ...	... ولد ...	محمود ولد ...	... ولد ...	محمد ولد ...	... ولد ...
...	...	... محمد ...	... ولد ...	عبد الله ولد ...	... ولد ...	... ولد ...	... ولد ...	... ولی ولد ...	... ولد ...

۵۰ ... سرحد ... عالیجاه ... مقرر میداریم ... بزیارت ... مبارک ... فراریان

... ؟ ... جمع آوری ... سرحد داران ... تسلیم سرحد داران آنطرف ... بازیافت ... دارند

جواب ... قونسولگری ... عالیجاه ... مقرر ... معمول ... دارد

معروض

عالیجاه محمد حسن خان حاکم مشکین ... اکه — از قرار که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه ... اظهار داشته است ... خانه

... برادر جعفر خان ... ؟ ... عین ... عالیجاه ... بیدق ... لطفعلی ... تزده ... خان

... ؟ ... بخلاف ... در باب ... اظهار داشته ... حساب ... دوازده

... معوق مانده است ... رجب ... مالیه ... لطفعلی ... تسلیم ... عالیجاه ... مقرر میداریم

... عالیجاه ... رقم ... کمیسیر ... اموال سرقه ... مطالبه ... تسلیم

که قبض رسید ... حاکم ... کارگذاران ... قونسولگری ... ماه ... اتفاق ... حضور

... عالیجاه ... معتمد ... آنکه عالیجاه ... امور ... مقرر ... ؟

معروض

عالیجاه محمد حسن خان حاکم مشکین ... لکه — از قرار که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه اظهار داشته است از ایلات ... شاهسون دولت علیه

جمعی از ... سرحد ... روس ... بطرف ... رعیت ... قشلاق ... دایر

... از محمد قاسم ولد ... ؟ ... بیده روسیه ... عالیجاه ... صلاح ...

... زمان ... وفات ... است ... مقصود ... اشخاص از ... الغلام

باصر ولد صلاح — ... ولد صلاح — ... محمد ولد صلاح — ... ولد ... حمزه — عبد العلی ولد حمزه — قاسم ولد حمزه

... است ... بنابر ... لهذا عالیجاه ... مقرر میداریم ... ؟

... سلطان ... ؟ روس ... در صورت وقوع ... مقصود ...

... بدون اطلاع ... رکاب مستطاب ... قرار ... مقرر ...

عالیجاه ... معمول داشته ...

[illegible]	نومر	
[illegible]		

[illegible]

[illegible]

[illegible]	نومر	
[illegible]		

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره رجوع	نمره	سنه ۱۲۶۷
		معروض — نمره . عالیجاه [illegible] خان حاکم [illegible] از قرار [illegible] دولت بهیه روسیه کارگذاران دیوان اعلی اظهار داشته است [illegible] رعیت دولت [illegible] از قرار [illegible] عالیجاه [illegible] خان [illegible] است [illegible] قراری در باب [illegible]
		[illegible] ۱۸ [illegible]
		[illegible] اظهار [illegible] است [illegible] دولت [illegible] از [illegible]
		[illegible] که [illegible] عالیجاه [illegible] صاحب [illegible]
		[illegible] عالیجاه [illegible] خان [illegible] صاحب [illegible]
		[illegible]
		معروض — از قرار [illegible] دولت بهیه روسیه اظهار داشته از عالیجاه حسین خان [illegible]
		[illegible] رعیت دولت بهیه روسیه [illegible]
		[illegible]
		[illegible] کارگذاران [illegible] دولت [illegible]
		[illegible]

نمره رجوع	نمره	سنه ۱۲۶۷
۱۴		معروض — نمره . عالیجاه احمد خان کارپرداز [illegible] از قرار [illegible] حضور [illegible] تاجر [illegible]
		[illegible] است [illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		الحقیقه [illegible]
		[illegible]
		[illegible] کارگذاران [illegible] دولت بهیه است [illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		معروض — نمره . عالیجاه [illegible] خان [illegible] در باب [illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		احکام [illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		[illegible]
		[illegible]

صدر حکم

نمره عالیجاه حیدرخان حیدرانلو شرح آنکه — جمعی از رعایای [illegible] آمده از قراریکه معروض حضور مبارک داشته‌اند ابنای [illegible] سوء سلوک و بدرفتاری با اهالی [illegible]

از همه گونه [illegible] و رحمت نیست ابنا مضایقه نداشته از هیچ اذیت رعایای آنجا را [illegible] جمیع [illegible] از اهالی [illegible] بالطریق نزول در خانهای

اینها [illegible] زن رعیت را با کلاه [illegible] در دست رعایای آنجا [illegible] بعنوان جریمه از اینها [illegible]

مبلغی [illegible] در حق آنها [illegible] آورده است [illegible] و قشلاقات آنها [illegible] ضبط [illegible]

باشند و [illegible] ممکن است [illegible] حضرت [illegible] انتظام [illegible] لهذا عالیجاه ارادت آگاه [illegible]

[illegible] سرکار [illegible] نزول دادن [illegible] رعیت [illegible] مطلق [illegible]

و [illegible] رعایای آنجا [illegible] عالیجاه [illegible] سرکار [illegible]

[illegible] این فقره [illegible] اظهار [illegible]

[illegible] رعایای آنجا [illegible] حکم اولیای دولت قاهره [illegible] سرکار

خانهای اینها را [illegible] نزول [illegible] موقوف [illegible]

[illegible] بعنوان جریمه [illegible] عالیجاه [illegible] صاحبان [illegible]

و همچنین [illegible] قشلاقات آنها را [illegible] ضبط کرده است [illegible]

[illegible] رعایای آنجا [illegible] سرکار [illegible]

[illegible] سرکار [illegible] از متعرض رعیت [illegible]

[illegible] حساب [illegible] رضای آنها [illegible] مقرر [illegible] عالیجاه ارادت آگاه [illegible] سرکار [illegible]

از سرکار [illegible] بموجب [illegible] در انجام مأموریت [illegible]

بخط مبارک

سواد

[illegible] در باب [illegible] حیدرخان حیدرانلو [illegible]

[illegible] رعایای [illegible] رعیت نزول [illegible]

[illegible] قشلاقات آنها را [illegible] حیدرخان [illegible]

[illegible]

[illegible] از حیدرخان [illegible] رعایای آنجا [illegible]

[illegible] رعایای آنجا را [illegible]

[illegible] حیدرخان [illegible] آنها [illegible] قشلاقات آنها را [illegible]

[illegible] رعایای [illegible] حیدرخان خانه نزول را

[illegible] آنها [illegible]

[illegible] رعایای آنجا [illegible]

[illegible] رعایای آنجا را [illegible] آنها را [illegible]

[illegible] حیدرخان [illegible]

[illegible] نگردد

صدر حکم

[illegible] ١٢٦٧

نمره عالیجاه حیدرخان حیدرانلو شرح — از قراریکه عالیجاه [illegible] سرکار [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از [illegible] قشلاقات [illegible]

اظهار [illegible] عالیجاه مقرب الحضرة العلیه [illegible] عالیجاه مقرب الخاقان محمد رحیم خان [illegible]

[illegible]

[illegible] لهذا عالیجاه ارادت آگاه [illegible]

[illegible]

[illegible] عالیجاه ارادت آگاه [illegible]

[illegible]

نمره عالیجاه محمدرضاخان حاکم اردبیل شرح آنکه — در باب مطالبات حاجی یعقوب [illegible]

[illegible] حضور [illegible]

[illegible] محمدرضا [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible]

[illegible] حاجی یعقوب [illegible]

[illegible]

حاجی یعقوب [illegible] مطالبات حاجی یعقوب

[illegible] حضور [illegible]

[illegible]

[illegible] حسب المقرر [illegible]

سردارجع		سنه [illegible] ئیل ۱۲۶۷

مهر عالیجاه [illegible] ... در باب دعاوی حاجی یعقوب ... از آقا ... و از بعضی کسان ... اظهار ... جنرال قونسول دولت بهیه روسیه کارگذار ...

... در رقم شده بود ... در کتابت ... مقرر داشته بودیم ... در قطع [illegible] ... اورده ...

... دریافت ... حضور ... جواب ... جنرال قونسول ... رفع شکایت ... شرح ...

حاجی یعقوب ... از مطالب اقدام ... بعد از آنها ...

حاجی یعقوب ... از مطالب ... در اجرای ...

... میرزا مصطفی خان ... حق داشته است ... مطالب حاجی یعقوب ... آورده ...

... حاجی یعقوب ... در قطع ... در مقام ... دارد

و حاجی یعقوب ... در مقام ... کارگذار ...

و حاجی یعقوب ... والا ... حاجی یعقوب ... کارگذار ...

... بر ... در ... والا ... [illegible]

مهر عالیجاه [illegible] ... در باب ... حاجی یعقوب ... [illegible]

... از ... کارگذار ... مطالب ... [illegible]

رفع ... از مطالب ... جنرال قونسول دولت بهیه روسیه ... کارگذاران ...

والا ... شکایت ... حضور ... حقیقت ...

... حکم مبارک ... والا ... [illegible]

... والا ... [illegible]

سنه [illegible] ئیل ۱۲۶۷	ورز	نمره جه

مهر عالیجاه احمد خان کارگذار ... از قراری که ... حضور ... عالیجاه ... نه ... قیمت ...

تقلیب ... قیمت ... تقلیب ... قیمت دارد ... تقلیب ...

... حضور ... [illegible]

... [illegible] ... قیمت دارد ...

... تقلیب ... قیمت ...

... [illegible] ... علاوه ... قیمت ...

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible] ... معلوم است ...

... [illegible] ... موجب ... علاوه ...

... تقلیب ... [illegible]

... حکم مبارک ... کارگذاران ...

... [illegible] ...

... [illegible] ... کارگذاران ...

... جواب ... جواب ... [illegible]

... [illegible] ... مقرر ... دارد

مهر عالیجاه احمد خان کارگذار ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... باند

نمره جمع	نمره	سنه تنگوزئیل ۱۲۶۷

عهده عالیجاه حاجی [illegible] خان حاکم [illegible] از قراریکه [illegible] حضرت [illegible] سرکار [illegible] برادر [illegible]

[illegible] عالیجاه میرزا [illegible] عالیجاه [illegible] خان [illegible] مشارالیه [illegible]

[illegible] مشارالیه [illegible] مشارالیه [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible] سرکار [illegible] تحقیق [illegible]

[illegible] عالیجاه [illegible] مقرر [illegible]

مشارالیه [illegible] سرکار [illegible] رکاب مبارک [illegible] سرکار [illegible]

تحقیق [illegible] حسب الحکم [illegible]

[illegible]

عهده عالیجاه محمد حسن خان حاکم [illegible] از قراریکه [illegible] سرکار [illegible] مصطفی [illegible]

[illegible] مصطفی [illegible] قرار [illegible]

[illegible] قاسم خان [illegible] لهذا [illegible]

[illegible] والا [illegible] مشارالیه [illegible]

[illegible] سرکار [illegible]

[illegible] حسب الحکم [illegible]

نمره جمع	نمره	سنه تنگوزئیل ۱۲۶۷

عهده عالیجاه محمد حسن خان حاکم [illegible] از قرار فرمان [illegible] قشلاقات [illegible] مرحوم حسن خان [illegible]

[illegible] خان [illegible] قشلاقات [illegible] مرحوم [illegible] از قرار [illegible]

حضور والا [illegible] قشلاقات [illegible] قرار [illegible]

[illegible] قرار [illegible]

[illegible] حسن خان [illegible]

[illegible] حسب الحکم [illegible]

عهده عالیجاه محمد خان [illegible] در باب میرزا [illegible] از قرار اظهار [illegible]

[illegible] سرکار [illegible] والا [illegible] مشارالیه [illegible]

[illegible]

[illegible] حضور والا [illegible] سرکار والا [illegible] مشارالیه [illegible]

از قرار [illegible] میرزا [illegible]

[illegible] سرکار [illegible]

سرکاری [illegible] میرزا [illegible]

[illegible] سرکار والا [illegible]

[illegible] والا [illegible] مشارالیه [illegible] حضور والا [illegible]

[illegible] سرکار [illegible] والا [illegible]

[illegible] مشارالیه [illegible] میرزا [illegible]

[illegible] میرزا [illegible]

[illegible] والا [illegible]

نمره محرمانه

سنه ۱۲۶۱

معصوم

نمره ... عباس خان ... شرح اکه — از قراری که عریضه حضور والا رسید ... میرزا ... در ... خانه ... دارد ... خانه ... تبریز ... آورده

در اینجا ... جنرال قونسول دولت بهیه روسیه ... در باب ... خانه ... اظهاری ... کارگذاران سرکار اشرف والا ... در ... تبریز ...

او زمینه ... خانه ... تبریز ... معصوم ... سک ... مقرر ... فرمایند ...

... تبریز ... کس ... و تعرض ... دیگر ... در ...

... خانه ... در سایر امورات ... مهات ... صورت ... فارغ البال ... تبریز ...

مقرر ... معصوم ... خانه ... تبریز ... دارد

معصوم

نمره ... احمد خان ... شرح اکه — در باب ... محمد ... میرزا محمد ... رعایای دولت علیه ... در ...

... دولت بهیه روسیه ... محمد ... دکان ...

... ضبط نموده است ... قرار عرضی ... عفو ... مقرر ... ضبط نموده ... در ...

... محمد ... کارگذاران دولت ... کرفته ... دارد ...

از اتمام این فقره ... کارگذاران ... قرار ... قرار در ... نشده است لهذا ...

نمره ... مقرر ... جهت ... رعایای دولت علیه را ... ضبط نموده ...

... کارگذاران ... قرار ... الله ... در این باب ... بدون ...

... محمد ... کرفته ... دارد و کیفیت اتمام امر را عرض کنند

معصوم

نمره ... جنرال قونسول ... روسیه در باب ... کارگذاران

... سکه ...

... قرار ... تعیین ... تشخیص ...

... لهذا ... مقرر ... الله ...

... صورت ... معصوم ... کارگذاران ...

... کارگذاران سرکار ...

... تشخیص ... اتمام ... کارگذاران سرکار ...

... عباس ... مقرر ...

معصوم

نمره ... حسین ... خان ... شرح اکه — ... جنرال ... در بیان ... است ...

... قطع ... از جانب ... کلم ... رسیده است ... جناب جلالت ...

اعظم ... مقرر ... عالی جاه ... در دارالخلافه ... ایام ...

روانه ... مقرر ... حضرت ... حضرت ... الله ...

عازم ... روانه ... جلالت ... روانه دارد ...

... دولت ... در ... صورت ... قرار این امر ... مقرر ...

... مقرر ...

معصوم

در باب ... جنرال قونسول ... مقرر ...

... کارگذاران ... مقرر ...

... والا ... دولت ...

... لهذا ... مقرر ...

...	...	...	...	...	...
...	...	...	...	...	...

و مراقبت ... مقرر ...

... کارگذاران ... تبریز ... سرکار ...

... مقرر ... دارد

معصوم

نمره ... صاحب ... شرح اکه — از قراری که ... جنرال قونسول دولت بهیه روسیه ... سرکار والا ... اظهار ...

... مراقبت احوال ... دولت بهیه روسیه ... خواهش ...

... دولت علیه ... سرحد ... لهذا ...

... حضرت والا ... سرحد ...

... سرحد ...

... کارگذاران سرکار والا ... مقرر ...

... مامور ... از ... حضرت ... احکام ...

مرقوم

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] حاکم [illegible] — در قراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible] سرکار [illegible] اظهار داشته است [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] عالیجاه [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مقرر دانسته [illegible] دارند

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] — در قراری که [illegible] دولت بهیه روسیه [illegible] سرکار [illegible] اظهار داشته [illegible]
[illegible]
[illegible] دولت بهیه روسیه [illegible]
[illegible]
[illegible] معمول دارد

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] — در قراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible] سرکار [illegible] اظهار داشته است [illegible]
قریه [illegible]
[illegible] لهذا عالیجاه [illegible]
[illegible]
[illegible] مقرر [illegible] دارد

[illegible] ۱۲۶۱

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] — در قراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible] سرکار [illegible] اظهار داشته [illegible]
[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible] مقرر [illegible] دارد

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] — در قراری که عالیجاه [illegible] دولت علیه عثمانی [illegible] سرکار [illegible] اظهار [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] — در قراری که عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible] سرکار [illegible] اظهار داشته [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

معروض

بعهده [illegible] — [illegible] در باب [illegible]

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] حاکم [illegible] در خصوص [illegible]

معروض

بعهده عالیجاه [illegible] حاکم [illegible] در باب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره ۵۱۲، اسدالله خان سرتیپ ... عریضهٔ ارادت ... دستخط مبارک ... [illegible]

آن خاطر مبارک را ... در باب ... عرض کرده بود ... [illegible]

میرزا رضا ... صورت ... داده ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... نمره ... [illegible]

... [illegible]

سنه ... ۱۲۹۸

نمره ... [illegible]

... [illegible]

معف

بعهده عالیجاه محمد رحیم خان حاکم خوی شرح انکه از قرار یکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در ذریعه علیحده اظهار داشته است که اشخاص ذیل

محمد ولد مصطفی — عباس علی ولد مراد — محمد ولد بیگ

رعایای دولت بهیه روسیه اند اما چون که از ایروان دزد قرار است روانه خوی شده و قدری مواجب در قریه یا قریه ماریان منزل کرده

و الندوه نفر سواره از ده مرکب بردند اسبها و الاغها رکه و اسب و سه قبضه تفنگ و سه قبضه قمه و یکدست پوستین پاره لباس دیگر

و هکذا جهت نقد و چهار و ده روپی نقره بعهده ایشان لذا آنها همه مرکوب و جنس و نقد و اسباب قریه مزبوره و از اطراف اخان

عثمان و در آنجا بعد اظهار کرده اند دیگر ذرات و اموال آنها ابهی بنفسه به مصبوع رضا نمی بکنها مراده اند فعل بخواهش عالیجاه سرایت

جایان منهم یک منهم را بالفاق صاحب منصب مشار و معتبر سپردیم در صورت و همراه دیگر را در قریه یا قریه فرد عمارت

باشند مدتی هست دزدها اینجا دزد و در تحت مسئول تا حال اموال مسهوبه از آنها مسترد نشد و یا از عهده ضمانت بیرون نیامده اند

رانیه آنها چندی اگر که ام اما قریه مزبور که در تحت عمارت را نخواهند داشت از عهده بیرون هم رعایای روس را رد کرده

رضامندی آنها را حاصل کنند و قبض رسید بگیرند که در صاحب آنها جهت درستی نامه را با تمام اسباب مقرر کند که عالیجاه مشار

حکم را مسند و اقتصا بعلاوه مقرر شرط عرفی دارد

معف

بعهده عالیجاه حاجی محمد شریف خان حاکم مراغه و ارومی شرح انکه از قرار یکه عالیجاه بنده عالیجاه عمده الاعیان المسیحیه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه اظهار داشته است

عالیجاه حاجی محمد علی خان شقاقی ملقب به خان خواجه کاروانسرا معروف است و قرار از باب طلب ادعا نموده عالیجاه مشارالیه خواهش و حکم طلب مزبور را نموده لهذا

۵۰ عالیجاه مأمور و مقرر میداریم که چون از برات رقم والا قرض مزبور از عالیجاه حاجی محمد خان وجه مزبور را مطالبه کرده در صورتیکه عرضه

در مقام برداشتن ملک بودن قبض عذر روا و رکاب و الا تمام آنرا طلب کرده بیرون از عالیجاه بگیرد و بخواهش عالیجاه مشارالیه برسانند و در ادا داد العظمه تبریز

تمام مقرر لکم علی عالیجاه یک نحو را مأمور داشته بطوریکه امر و مقرر داشته ایم معمول و مرتب دار

معف

بعهده عالیجاه محمد رضا خان حاکم اردبیل شرح انکه از قرار یکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در حق وانفار داشته است یک صیف الله نام از رعایای دولت

در ده اسلامار که فرار و جائی نموده بغیر قدر از نقد و املاک برای آب دار مال و در رفا بیک الانفکاک است که رفته با نیت بهانه احداث چند روزه بقریه براون کیدال

دیدن اقوام خود رفته بود بازم جهت خواهر که نهایت مال مشارالیه معاودت کرده از قرار یکه گرفتار ده نفر رسوم و نقش کرده است یک صیف الله یک نفر آورده بردار

اسباب جمیع عالیجاه مشارالیه معلوم او را بموجب قلمدان خواهش اعانت فراری مزبور را نموده است لهذا عالیجاه رفقا یک را مأمور و مقرر میداریم که عالیجاه صیف الله [illegible]

سال زده سال ابرو ستون الفاظ — مرد دیان در کمان ایر سطح چهره — کم مو — ریش بور — ابروان سیاه — ابرو جوان بهادرست بیاه رنگ — بینی کوتاه بقیه روایت

بینی چشم میش بزرگ — او نازه و سبزه میشود — کلاه و لب بره سیاه ارخالق قناویز — درآن جان از ثبت دارد میف جار

نخودی در بر دارد به ام سفید — در بالا ثبت است خواب — زخم دارد

یقنق ارب کار باجات تطلیع مارک

قبا و غلاف از چرم سیاه کلاه دارد شال

ابخوان سبز رنگ

مزبور را در هر جا از ولایت بیدا کنید به اتفاق مأمور کارگزاری روانه کند تسلیم سرحدداران دولت بهیه روسیه نموده قبض دریافت دارند و ارسال نمایند

و اگر کاربرداران کارگزاری از ابراز جواب به قونسولگری دولت بهیه مرتب اظهار داریم مقرر ساکنه عالیجاه ستر الشان رفقا یک نحو را مأمور داشته بطوریکه امر و مقرر داشته

ایم معمول دارد

معف

بعهده عالیجاه محمد رضا خان حاکم اردبیل شرح انکه از قرار یکه عالیجاه جنرال قونسول دولت بهیه روسیه در ذریعه محضر دالقی و انفار داشته است اهالی زراعت

و کهنه ولایت اهالی قرابه و دیگران بعلت خشکسالی و ملخ خوارگی تلف شده اهالی ولایت مزبوره در این سنه از اطراف برای آذوقه گندم گرفته حمل و نقل

و انفار با تجار دیگا که وارسی علیحده تمشی شده است اهالی ولایت مزبوره را بخبر کنیم و از دارالخلافه جهت حفظ و توزیع ولایت سرحدیه از اطراف قرار داد

ترتیب داشته ایم که اهالی قرابه و دیگران مقدار زیاده هزار و پانصد خروار غله برای خوراک خود شان ابتیاع نمایند لهذا عالیجاه را مقرر میداریم که اهالی ولایت

اردبیل غله علاوه بر کفاف خود داشته و ولایت داشته باشند خواهش را از صادر نمایند با اهالی ولایت مزبوره بفروشند کسی مانع و متعرض ابتیاع غله

نشوند و در ولایت سرحدیه غله قرار داد را اجرا نموده حمل و نقل و انعلاف نمایند یا این امر در این باب زیاد اهتمام کنند و از کسی ممانعت نشود بقدر ابتیاع

ولایت اردبیل از هزار و پانصد خروار مقرر نمایند با اهالی ولایت مزبوره فروخته و اقتضا که حمل و نقل انعلاف نمایند

بر اراده اساس . الحال منظور مقوم است

معف

بعهده عالیجاه محمد حسن خان حاکم [illegible] — بهیں مضمون

نشد و مقرر شده الدام اوپر

واگذار شده

[illegible] ... اقرار که ... جنرال قونسول دولت بهیه روسیه ... سرحد ... [illegible]

[illegible]

[illegible] ... دولت بهیه روسیه ... [illegible]

[illegible] ... اقرار که ... جنرال ... دولت بهیه روسیه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بعهده جناب [illegible] ... جناب جنرال قونسول دولت بهیه روسیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بعهده جناب [illegible] لدی ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بعهده جناب قاسم خان حاکم [illegible] لدی قرارگاه [illegible] دولت بهیه روسیه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سنه [illegible] ۱۲۶۸

خطاب به [illegible] میرزا — از قراری که جناب جنرال قونسول دولت بهیهٔ روسیه [illegible] اظهار [illegible] جناب [illegible]
[illegible] سرکار [illegible] اظهار داشته است [illegible] مال [illegible] سؤال [illegible]
[illegible] و در مرافعه [illegible] دارد [illegible]
از [illegible] خود [illegible] در کارخانه [illegible] محمد [illegible] کار [illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] خواهش [illegible] لهذا [illegible] مأمور و مقرر [illegible] تحقیق [illegible]
[illegible] اسم و رسم [illegible] و داد [illegible] صادق [illegible] تحقیقات [illegible]
[illegible] حضور مبارک [illegible] کارگزاران سرکاری [illegible] جواب [illegible]
حضرا مأمور دانسته بلکه مقرر مرتب دارد

خطاب به [illegible] — از قراری که [illegible] حضور [illegible] روسیه [illegible] در میان [illegible]
[illegible] تحقیق [illegible] اموال [illegible] لهذا [illegible]
[illegible] — [illegible] — [illegible] — [illegible]
[illegible] اموال سرقه [illegible] لهذا [illegible]
[illegible] لهذا [illegible] مأمور و مقرر [illegible] کارگذار [illegible]
[illegible] اموال [illegible] لهذا [illegible] مأمور [illegible]
روانه رکاب [illegible] اموال سرقه [illegible] اهتمام تام [illegible]
حضرا مأمور دانسته بلکه مقرر مرتب دارد

خطاب به [illegible] — از قراری که جناب [illegible] جنرال قونسول دولت بهیهٔ روسیه [illegible] اظهار [illegible]
[illegible] مرافعه [illegible] دارد [illegible]
[illegible] طلب [illegible]
[illegible] کارگذاران [illegible] خواهش [illegible] لهذا [illegible] مأمور و مقرر [illegible]
[illegible] کارگذار [illegible] مأمور سرکاری روانه [illegible]
[illegible] خود [illegible] لهذا [illegible]
مأمور دانسته بلکه مقرر مرتب دارد

نمره [illegible] محمد [illegible] خان حاکم [illegible] — از قراری که [illegible] جنرال قونسول دولت بهیهٔ روسیه [illegible] عریضه [illegible]
[illegible] اظهار [illegible]
[illegible] تعلق [illegible]
مأمور و مقرر [illegible]
[illegible] دریافت [illegible] جواب [illegible]
[illegible] دانسته [illegible] مرتب دارد

نمره [illegible] محمد [illegible] خان [illegible] — در باب [illegible] متعلقه بدولت بهیهٔ روسیه [illegible] حکم [illegible]
[illegible] مطالب [illegible] اهتمام [illegible]
[illegible] مطالب [illegible] امورات متعلقه [illegible]
[illegible] مطالب [illegible]
[illegible] لهذا [illegible]
[illegible] حاکم [illegible] مطالب [illegible]
[illegible] مقرر [illegible] حکم [illegible]

نمره [illegible] حاکم [illegible] — در باب مطالب [illegible] بهیهٔ روسیه [illegible] حکم [illegible]
[illegible] مأمورین [illegible] مطالب [illegible] کتاب [illegible]
[illegible] امور [illegible] حکومت [illegible]
[illegible] دولت [illegible] احکام [illegible] مأمور
[illegible] موقوف [illegible] اهتمام [illegible] مطالب [illegible]
[illegible] جواب [illegible] کتاب [illegible]
[illegible] مطالب [illegible] احکام [illegible]

نمره	نمره	سال ... ١٢٦٦
		[illegible]
		[illegible]
		[illegible]

[illegible]

[illegible]

نمره مخفف	نمره	
		سنه ... ۱۲۶۰

مصحف

بنده عالی ابراهیم خان حاکم مرند و گرگر ... لذا قرار که عالی جنرال قونسول دولت بهیه روسیه ... [illegible]

عالیجاه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

١٢٦٨

[illegible]

[illegible]

ایپ	تعلیق	عوام باجی اراق	حبس تذکره

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

معروض

[illegible] عباسعلی خان حاکم [illegible] شرح آنکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حسب المقرر رتبه دارد

معروض

[illegible] عباسعلی خان حاکم [illegible] شرح آنکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حسب المقرر رتبه دارد

معروض

[illegible] عباسعلی خان حاکم [illegible] شرح آنکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] مقرر رتبه دارد

معروض

[illegible] حاکم [illegible] شرح آنکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رتبه دارد

معروض

[illegible] حاکم [illegible] شرح آنکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] حسب المقرر رتبه دارد

معروض

[illegible] حاکم [illegible] شرح آنکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] رتبه دارد

مهر ... [illegible] لسرح الكه ... ارطاله كه ... عمده الامثال المسيحيه جنرال ... [illegible]

... [illegible] قريه ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

عبد آغه ... [illegible] ... دارد

[illegible]

ميداريم ... [illegible]

... [illegible] ... دارد

[illegible]

مهر ... [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سنه ... ۱۲۶۸

بمهر عالی ... قنسول ... لذا قرار که جناب جنرال قونسول دولت بهیه ... اظهار ... حسینقلی خان ...

... بلده ... هرگاه ... گمرک ... کرزان ...

محمد خان ... جاری ... حسینقلی خان ... کرزان ...

... لذا ... اظهار ... مخصوص ...

... صادر ... حسینقلی خان ...

... محمد خان ...

... کرزان ... گمرک ...

... لذا ... حسینقلی خان ...

... بلده ... مقرر ... دارد

بمهر عالی ... حاکم ... لذا قرار که جناب جنرال قونسول دولت بهیه ... اظهار ...

... محمد خان ... گمرک ...

وزرای تابعین ...	وزرای تابعین ...
...	...

ازاهل ...

... قرار ... اظهار ... جنرال ...

... گمرک ...

... دولت بهیه ...

... بلده مقرر ... دارد

ـــــ سکورتی

بمهر عالی ...

... جنرال قونسول دولت بهیه ...

...

...

... دارد

... داده ...

بمهر ... حاکم ...

... جنرال قونسول دولت بهیه ...

...

... میرزا ...

... سازد

بمهر ... حاکم ...

...

... میرزا معصوم ...

... دارد

بمهر ... حاکم ...

...

...

... دارد

معصف

بعهده عالیجاه حاجی علی خان مالک شرح الصدر — از قراریکه کارگذاران ... سرکاری ... روانه ... نمایند ...

معتبره ... بر این ... که مطالبات ... که ... الملک ... و ... مطالبات ... [illegible]

لهذا ... عالیجاه ... مقرر ... که ... مطالبات ... به اقساط ... [illegible]

وفق ... نماید و ... که ... کارگذاران ... [illegible]

صاحب ... سیده ... معصوم ... مقرر ... [illegible]

معصف

بعهده عالیجاه میرزا ... خان حاکم ... شرح الصدر — از قراریکه ... جنرال قونسول دولت بهیه روسیه ... بسرکار ... [illegible]

در سال گذشته ... رفیع ... گذشته ... که ... [illegible]

... ایشان ... رفیع ... [illegible]

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

کتابچه ... رفیع ...

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

... طایفه رضا ... رفیع ... روانه ... [illegible]

... طایفه رضا ... [illegible]

... طایفه ... [illegible]

میرزا سید محمد ... [illegible]

... طایفه رضا ... اموال ... [illegible]

... از عهده ... [illegible]

... آنها ... از عهده ... [illegible]

... [illegible]

معصف

بعهده عالیجاه ... حکام ولایات آذربایجان شرح الصدر — سابقاً در باب ... قرار ... از ... سلطان ... شاهنشاهی

... عالیجاه ... مقرر ... [illegible]

... اسامی ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... مقرر ... دارند

معصف

بعهده عالیجاه میرزا محمد حسین خان ... شرح الصدر — از قرار رقیمه جناب ... [illegible]

حاجی ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

معصف

بعهده عالیجاه ... خان حاکم ... شرح الصدر — ... جنرال قونسول دولت بهیه روسیه ... حسین خان ...

... [illegible]

روانه ... [illegible]

... [illegible]

... [illegible]

... روانه ... حسین خان ... [illegible]

... [illegible]

... حسین خان ... روانه ... نماید

بنده شاه محمد رحیم خان حاکم خوی — در باب ... طلب ... از علیشاه ... که در سابق رقم به مهر ... صادر ... مأمور ... مقام ...
رکاب والا ... مزبور ... در قرار که ... حضور والا ... مزبور ... اراد کرده ...
که ... حضور ... مزبور ... رعیت روس ... در ایام ... لهذا ... مأمور و مقرر ...
در ... که ... مأمور ... احکام ... مأمور ... مزبور ... در هر جا
باشد ... در صورتیکه ... او ... طلب ... رکاب ... والا ... در اینجا
از عهده جواب ... طلب ... مقرر ... مأمور ... سابق ... بطوری ...
روس ... از علیشاه ... و ... در رکاب والا ... که ... الحال ...

بنده شاه محمد رحیم خان حاکم خوی — در قرار که ... اظهار ... که ... میرزا ... بخوان ...
کربلائی محمد باقر و کریم ... که ... رعایای ... شام ... در ... که ...
در ... قریه ... بخود ... انجا ... تمام ... قیمت ... حال ...
مرتکب ... انها ... در ... صورت ... انها ... معلوم است در ... اعمال ...

حسن — محمد — آقا — کربلائی محمد علی

انها را که اهتمام ... لهذا ... مأمور و مقرر ... در ... رکاب ... انها ...
آورده ... روس ... مأمور ... روانه است ... حضور والا ...
و اگر ... معلوم ... در مقام ... مأمور ... روانه رکاب والا که ...
... مقرر ... معلوم ... مأمور ... حسب المقرر ... ذی ...

بنده شاه عباس ... — در باب ... امر ... طرق و شوارع ... از قرار ... السنه ...
... رقم ... صادر ... رکاب ... اهتمام تمام ...
... مقرر ... در این باب ... امرا ... بخرج ... هزار ... طرق ...
در ... روس ... طرق و شوارع ... هزار ...
... عمارت ... ولی ... طرق ... مأمور ... ایران ... احوال ...
از ... رکاب ... رقم مبارک ... اهتمام ...
... و رکاب والا ... طرق ... مقرر ...
... که ... مأمور ... مقرر ... ذی ...

بنده علیشاه ابوالقاسم خان حاکم مرند و گرگر ... — در باب ضبط و تصرف ... احدی ... حاجی ... در ... قاضی ...

دو دانگ ... قریه ... — نصف ... مزرعه ... آباد — خانه و باغچه ... در قریه ... ورثه

خواجه ... حاجی نجف خان ... محمد خان ... رقم مبارک صادر ... احدی ...
... خان ... مأمور ... مواظب ... جواب ...
... خان ... احدی ... مشارالیه ...
... احدی ... خان ... احدی ... تصرف ... حاکم
... مشارالیه ... محمد خان ... نجف خان ...
کارکنان ... مواظب ... قرار ...

بنده علیشاه قاسم خان حاکم ... — در باب مطالب ... توقف ... ارقام ... مأمور ...
... مطالب ... احکام ...
... قرار ...
... رقم ... سابق ...
... مطالب ... رکاب ...
... جواب ... مطالب ... صورت ...
... مطالب ... حضور ...
... مقرر ... ملله

بنده ... زنده ... شاه قهرمان ... که در ...
... شاه ... مقرر ...
... شاه ... مقرر ...
... شاه قهرمان ...
تمام ... مقرر ...
سهراب ... حکم ...

شرح المراسل

معروض

نمره ... محمد حسن خان حاکم ... شرح آنکه ... جنرال قونسول ... [illegible]

[illegible]

مراد خان ... جعفر خان ... [illegible]

با تعیین ... [illegible]

[illegible]

معروض

نمره ... ابوالقاسم خان ... شرح آنکه ... [illegible]

[illegible]

معروض

نمره ... محمد رضا خان حاکم ... شرح آنکه ... جنرال قونسول ... [illegible]

[illegible]

معروض

نمره ... ابوالقاسم خان ... شرح آنکه ... [illegible]

[illegible]

معروض

نمره ... محمد رضا خان حاکم ... شرح آنکه ... [illegible]

[illegible]

ماه ... آن	نمره	ثبت ملفوفجات ... پاپان قونسولهای روس و انگلیس و ... مترجم ... سنه ... ۱۲۶۷
۳		خطاب پاپا، جنرال قونسول روس — در باب ... [illegible]
۳		خطاب پاپا، قونسول انگلیس — ... [illegible]
۳		خطاب پاپا، قونسول انگلیس — در باب ... [illegible]

ماه ... آن	نمره	ثبت ملفوفجات ... سنه ...
۲		ملفوف — پاپا، قونسول ... انگلیس ... در خصوص ... حاجی عبدالکریم ... [illegible]
۸		ملفوف — پاپا، ... در باب ... [illegible]
۱۰		ملفوف — خطاب پاپا، قونسول ... انگلیس — در باب ... [illegible]
۱۰		ملفوف — خطاب پاپا، قونسول ... انگلیس ... [illegible]

ماه ...	نمره	ـــ ... ۱۲۶۷
۱۵		بجهة ... قونسول انگلیس — در باب طلب موسیو ... که از ... [illegible] ... بعد رسید ... الحال حاصل ... حقیقة در ... [illegible] ... با ... [illegible] ... در نقدوات با ... حق نیست ... [illegible] ... حقیقت ... [illegible] ... [illegible] ... خواهد کرد اقتضا میکند ... [illegible] ... نماید
۱۶		بجهة قونسول انگلیس — وزیر ... در باب ... [illegible] ... حاصل ... [illegible] ... [illegible] ... قاهره ... [illegible] ... در ... [illegible] که ... [illegible] ... مرقوم داشته ... [illegible] ... [illegible] ... لذا ... [illegible] ... [illegible] ... قاهره باشد ... [illegible] خواهیم کرد ... موافق قاعده ... [illegible] ... کند
۱۷		... قونسول انگلیس — در باب ... [illegible] ... سلطان ... [illegible] ... خان ... [illegible] ... [illegible] ... داده ... [illegible] ... [illegible] ... اکن ... [illegible] ... [illegible] ... خان ... [illegible] ... خواهد ... [illegible] ... [illegible] ... کرد ... [illegible] خواهند

ماه ...	نمره	ـــ ... ۱۲۶۷
۲۴		بجهة ... وسفارت روس — در باب امر خواجه ... چند روز ... [illegible] ... میرزا ... خان ... [illegible] ... [illegible] ... میرزا ... [illegible] ... از قرار که معروض ... [illegible] ... [illegible] ... در حقیقت ... [illegible] ... [illegible] ... لازم است ... [illegible] لهذا ... [illegible] ... شهادت حق لازم است ... [illegible] اطمینان ... [illegible] ... قرار در باب ... [illegible] ... شود
۲۵		بجهة ... سفارت روس — ... در باب مطالب ... [illegible] صاحب منصب ... [illegible] ... قاعده ... [illegible] از قراریکه ... [illegible] ... در باب مطالب صاحب منصب ... [illegible] ... لازم است ... [illegible] ... [illegible] ... صاحب منصب ... [illegible] علیه ... [illegible] ... فراری ... [illegible] ... و در باب فراری ... [illegible] ... ثبت ... [illegible] در صورت ... [illegible] ... قرار ... [illegible] ... فراری ... [illegible] موافق صورت اسامی فراریان ... [illegible] ... [illegible] ... قرار ... [illegible] ... [illegible] ... فراریان دولت علیه ... [illegible] ... لهذا اظهار میشود ... [illegible] ... [illegible] ... فراریان دولت علیه ... [illegible] ... موافق قرار ... [illegible] ... [illegible] ... قرار ... [illegible] ... خواهد

نمره	
۳	در باب شکایت ایران بطرف ... [illegible]
۴	... عالیجاه مهاسبقه خان ... [illegible] ... ارسال خواهد ... ارسال داشته ... نمایند

نمره	
۹	در باب ... [illegible]
۱۰	در باب شکایت ... [illegible]

شهر رجب المرجب

۱۵ معروض

جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت روسیه شرح داده‌اند — از قرار شکایت بعضی تجار از اتباع دولت بهیهٔ روسیه شرحی مورخ بتاریخ ۹ شهر جمادی الاخری قلمی و اظهار داشته بودند

که بقرار تفصیل که در کارخانهٔ آن جناب نوشته شده در باب وجه مطالبات و غیره علاوه بر صدور حکم قرار طلب مطالبه را اظهار کرده اند از قرار اظهار آن جناب زحمات

مورد شده بود را اظهار نماید سبب آورده بود او انکار از بعضی از اشخاص کرده از اجزای کارخانه در دست داشته است مطالبه را اظهار کرده است و الحال

اگر قبض اوراق از شهر از عهده بر آید دعوی قبض از راه ارسال و صدور و باب مخصوص معروض است مطالبه که آن جناب در دست میباشد و البته اهتمام

بهمین جواب مشکل خواهند آن جناب در باب قرار و حقوق تجار مزبور و در طلب مال خودشان در دست دارند حاضر که در نقد

کارگذاران سرکار بر راه نمایند که بقرار قبض مسترد و ایصال کنند و اگر الغرض عرض شود وجه را گرفته قبض نداده اند در صورت

با قاعده دلیل و حجت محتاج میباشد اگر حرفی دارند باز از استرداد آن مضایقه نخواهند چنین اقتضا را آن جناب لازم بود اظهار شد

۱۶ معروض

جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت انگلیس شرح داده‌اند — آن جناب در رقیمهٔ قلمی و اظهار داشته بودند که یکی از اتباع رعیت بقصد زیارت عتبات عالیات در بعضی جاده

خیالات و اخبار را اجیف و رفتن مانع داشته اند در کار روا داشتند که از اجازه با تنها مانع شوند آن صریح با آنها دانسته است و بعضی جاده دو وحشت آنها شدت

آن جناب سابقاً از اتحاد و مراودات این دولت علیه با دولت بهیه دولت و راه زیارت کمال است و مقصودی در اتحاد و اتفاق بین احتمال عدم مانع نه داشتن زوار

ایرو چند روز پیش از این در باب زوار جاری کشیده شده و حجاج را اخبار که امر عزیز زیارت بیت الله الحرام شده از این و اینجا اجازه بزوار الحمد جاری

کشیده شده به خلاف بود آنکه این کیفیت با آن جناب گفته فهمیده و نوشته اظهار نمود است برای آگاهی آن جناب مرقوم شد

۱۷ معروض

جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت بهیهٔ روسیه شرح داده‌اند — در باب اذن مهاجرت علما و اسلامیان آن جناب بتاریخ ۳ شهر جمادی الثانی شرحی قلمی داشته بودند

مراتب از قرار اظهار آن جناب که دولت علیه انتشار و هنوز جواب نرسیده لکن بر وفق قرار مهاجرت نامه عرض شد استقرار یافته

مراوات مادحظات در باب مهاجرت چنان قرار داده از قرار بعد طرفین هر کس بار مهاجرت از خود دولت متبوعه خویش عرض که مستدعی شود در صورت

عدم مانع معروف بقاعده اسناد عاریه اولیای دولت متبوعه خود قرین انجاح دارند معلوم است این قاعده که در ممالک جاری مشارالیه از معارف امر

دار السلطنه تبریز زمان نماید مرخص شود نظر بقرار اولیای دولت خود اسناد را از اولیای دولت قاهره نیاورد اگر مانع معروف به قاعده باشد الیه بملاحظه

احکام شیخ جلیلی اذن مهاجرت باد خواهند داد والله در صورت بعض مانع بلا مانعه شاید جواب عرض او را معذور خواهند گذاشت مرقوم شد

۱۸ معروض

جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت بهیهٔ روسیه شرح داده‌اند — در باب حاجی محمد تاجر در گیلان در همراه با مهدی تاجر قزاول جان باجرجانی در رشت که به اند که نقد از حرج قلمی داشته بود و احمدی شده و از مطالبات آن

استحضار حاصل که به حاجی مزبور وجهی که از تجارت دولت علیه از شهر عبد الوهاب و مال او همراه بیشه طلبکار است و در باب طلب خودشان با معارض شده

چون بابت بعد از استیفای مطالبات که شده هم بقرار که دیوانخانه حاکم طلب نماید قرار ایصال مطالبات آنها داده نمود قرار قیام هم چند نفر از اراب

طلب در همراه حاضر بوده تا چون که دیوانخانه حاجی تجار هر چه از اموال حجره او با قرار آنها در میان خودشان قسمت نمایند چون اجناس را در همراه

بعمیت جنس نازل بر سر رسیده اند و مطالبات آنها ملاحظه شده که گویا منصف اند و قزاول باجرجانی او قبله با آنها اجرای که داده است در صورت

سبقت از جانب اولیای دولت تجار را با اجرای که است باز از حاجی مزبور پرداخته نمود در قاعده انصاف رضایت در آن که نزد آن جناب است

در باب مطالبات تجار آن دولت بهیه از شهر تبریز با داشته اند از زود موقوف تا انقضای تاجر باجرجانی و کارگذاران سرکار حجره او را

هر چه اموال و اجناس داشته در آنجا ضبط است که همراه قوچ نمود که مطالبات تجار دولت علیه با وجه حقه در آنجا قرار داده بودند

ادعا با سررشته از تجار آن دولت بهیه در اجرای خود باشد اموال او را قسمت کنند و از قرار منطقه و تقدیم حاد بعد طلب کارسازی که در باب طلب کرده

بهیه هم در که دیوانخانه دارند نمود هر چه با قرار سایر طلبکاران قسمت نمایند هم آنها نیز بلکه از حق خود محروم نمانند که مبلغ را اجناس حجره باقی

در اوراق داشته باشند و تحقیق کنند مضایقه نیست و از سایر اموال او استیفای طلب خود نمایند

۲۷ معروض

جناب جلالتمآب وزیر مختار دولت بهیهٔ روسیه شرح داده‌اند — چون اولیای دولت علیه برای انتظام ممالک محروسه و آسودگی رعایای پادشاهی قرار شده که جهت برای تردد و عبارت

مقرر داشته در آن ضمن بعضی قواعد و قوانین خیریت آئین نهاده اند که مشتمل بر فصول است و در کتابچه در دار الخلافه بجهت اطلاع با فقره تفصیل داده شده است

چون این مملکت سرحد دولت بهیه است در جاهای طرفین با هم ممزوج و مخلوط شده و اقتضا را نمود آن جناب از قاعده قرار داد لازم بود لهذا بجهت اعلام مراتب رقیمه بار رشته

و مجلداری کتابچه مزبور را این زیر انتظام بار سال کرد که ملاحظه نموده اطلاع و فی الحقیقت مضمون معلوم است که آن جناب نظر بخیر خواهی همواره طالب انتظام این مملکت

هستید از اجرای این قاعده خوشوقت خواهد بود در جاهای دولت بهیه از این مملکت متضمن مراتب را اعلام خواهد بود در مواد لازمه از رعایت قوانین خیریت آئین

مضایقه جایز نداز جمله قرار داده اند ما مورین بر روی تذکره ولایات سرحدیه مامور شده اند در آن ولایات تذکره مرد و بچه تردد و مسافرین

دولت دیگر برسند و در این صورت تذکره مرد و زن در ولایات سرحدیه شود شکل است از این بابت دار السلطنه تبریز آمده با بعضی ولایات

و مهر و تذکره رسانند معلوم نیست که در باب اولیای دولت قاهره با جناب وزیر مختار گفتگو نموده قرار داده باشند و یا اینکه آن جناب خود قرار خواهند

داد که از انقرار دستور العمل با مورین داده شود

نمره	دفتر	سنه ... ١٢٦٢
٢		حضرت ... وزیر مختار انگلیس — در قرار یکه ... [illegible] ...
		... [illegible] ...
١١		حضرت ... وزیر مختار انگلیس — ... [illegible] ...
		... [illegible] ... سقف ... مرقوم گردید

	١١	حضرت ... افندی ... [illegible] ...
		... [illegible] ...

نمره	ورق	۱۲۷۲ [illegible]
۱۱		معه — خطاب به [illegible] افندی — در[illegible] [illegible] جواب [illegible] در باب [illegible] حاجی عثمان [illegible] میرزا مصطفی خان [illegible] حاجی عثمان [illegible] [illegible]

[illegible]

۲۰ معه — خطاب به جنرال قونسول روس — از قراری که بعرض رسید ضمیمه [illegible] دولت بهیه در دارالسلطنه تبریز [illegible] [illegible] [illegible]

۲۱ معه — خطاب به جنرال قونسول روس — [illegible] [illegible] رمضان المبارک [illegible] میرزا مصطفی خان [illegible] اطلاع حاصل کند

۲۲ معه — خطاب به [illegible] دولت بهیه انگلیس [illegible]

نمره ثبت		
٢٩		سنه ... ١٢٦٢

معروض

خطاب بنام جنرال قونسول روس در تبریز ... در باب رفع زوارت قاسمان ... [illegible]

دزدی ... [illegible] ... حکم صادر ... مأمور ... بجهت اینکه در ...

قرب ... توقف داشته ... مأمور ... دستگیر نماید ... که طرف ... رفع زوارت ... در عقده و تعویق ...

تفصیل ... کارگزاران ... قاسمان ... احکام ...

صادر ... قاسمان ... خواهد ...

عبد ... صورت ... نماید ... [illegible]

... رفع ... دولت ... است ...

این ... در وقت ضرورت ابلاغ دارد ... معلوم است ... قرار ... خواهد کرد

نمره ... ١٤		

معروض

خطاب بجنرال قونسول ... در تبریز ... در باب ... جعفر ... رعیت دولت علیه ... [illegible]

... قراداغ ... میرزا مصطفی ... [illegible]

... [illegible] ...

... کارگزاران ... [illegible]

... تقصیر ... کارگزاران ...

... رعیت دولت علیه ... [illegible]

... تقصیر ... [illegible]

... تقصیر ... [illegible]

... تقصیری ... [illegible]

روانه ... تبریز ... تقصیر ... معلوم است ...

در جناب ... قرار ... دولت علیه ... قرار داده ...

کرده ... فرستادن ایشان را بجای که ... دولت علیه ... کرده شده

نمره ...	
٢٢	

معروض ... [illegible]

از جمله ... چند نفر از اتراک ... منسوب ... دولت علیه ... مقرر شده ... [illegible]

... کیفیت ... دولت ... اگر ... تقصیر ... [illegible]

تقصیری ... حیات ... خواهد ... اولیای دولت علیه ... [illegible]

از ... کامل ... اولیای دولت علیه ... حقیقت امر ... [illegible]

... در حق ... رعیت ... [illegible]

... لازم است ... در باب ... [illegible]

... اولیای دولت علیه ... [illegible]

... اطلاع ... [illegible]

... تقصیر ... [illegible]

... حضور ... قرار ... ایشان ...

معروض

... عباس ... حاکم ... در باب ... [illegible]

... [illegible] ...

... مأموری ... [illegible]

... [illegible] ...

احکام ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

از ... [illegible]

... [illegible] ...

... [illegible] ...

ساعدو

نمره ثبت	نمره	
۲۴		خطاب به ... روس [illegible] در باب ... قراباغ ... رعایای دولت علیه ... از جناب جلالت‌مآب ... [illegible]

خطاب به ... وزیر مختار روس ... در باب ... قراباغ ... رعایای دولت علیه ... از جناب ... [illegible]
... مهاجرت ... [illegible] ... دوستدار ... [illegible]
آن جناب ... میرزا مصطفی خان ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... جناب ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... حکم ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... دولت علیه ... حکم ... [illegible]
... [illegible] ... قرار ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... قراباغ ... [illegible]
... [illegible] ... دولت علیه ... مهاجرت ... [illegible]
... [illegible] ... دولت علیه ... [illegible]

نمره ثبت	نمره	
۲۶		خطاب به ... جنرال قونسول روس ... [illegible]

خطاب به ... جنرال قونسول روس ... [illegible] ... حرکت ... [illegible]
... [illegible] ... دولت بهیه روسیه ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... انتظام ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... دولت علیه ... [illegible]
... [illegible] ... دولت علیه ... [illegible]
... [illegible] ... دولت بهیه روسیه ... [illegible]
... [illegible] ... برای اطلاع ... [illegible]

سنه ... ۱۲۶۲

نمره ثبت	نمره	
۲۵		خطاب به ... قونسول روس ... [illegible]

خطاب به ... قونسول روس ... [illegible] ... ایران ... تجارت ... [illegible]
... اموال ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible] ... اموال ... [illegible]
... [illegible] ... اموال ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

نمره ثبت	نمره	
۲۶		خطاب به ... قونسول روس ... [illegible]

خطاب به ... قونسول روس ... در باب ... [illegible]
... میرزا مصطفی خان ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

نمره ثبت	نمره	
[illegible]		خطاب به ... جنرال ... دولت بهیه روسیه ... [illegible]

خطاب به ... جنرال ... دولت بهیه روسیه ... [illegible]
... [illegible]
... اتابک اعظم امیر کبیر ... [illegible]
... دولت علیه ... [illegible]
... [illegible]
... [illegible]

۲۹ خطاب به وزیر مختار انگلیس — در فیروزکوه [illegible] در جواب رقیمه که اظهار داشته بود و از فقرات آن اظهار [illegible] در باب [illegible] تقصیر

[illegible] تعلق [illegible] شده [illegible] از قرار نوشتجات [illegible] احکام [illegible] مقدمه [illegible] در [illegible]

[illegible] [illegible] در جواب [illegible] در [illegible] [illegible] از خواستن [illegible] اسم [illegible] حضور را

[illegible] تحقیق [illegible] با تقصیر باشند و در خدمت اولیای دولت علیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

رفع تهمت [illegible] استشهادها [illegible] در [illegible] [illegible] [illegible] بمضمون [illegible] استشهاد در [illegible] مضمون آن

[illegible] برای [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] در صورت معلوم شدن با تقصیری [illegible]

[illegible] جواب در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] استشهاد [illegible]

[illegible] روانه نمایند [illegible] با تقصیری [illegible] معلوم [illegible] تحقیق است [illegible]

[illegible] جواب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] معلوم است [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اطلاعات [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نخواهد کرد

[illegible] خطاب به [illegible] در باب میرزا [illegible] آقا [illegible] داشته بود [illegible] و از فقرات آن اظهار [illegible]

[illegible] کارگذاران [illegible] اظهار داشته بود [illegible] محمد خان [illegible] اولیای دولت علیه [illegible]

[illegible] در [illegible] بدون اجازه اولیای دولت علیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] روانه شده [illegible] مراجعت [illegible] [illegible]

[illegible] محمد خان [illegible] میرزا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] اولیای دولت علیه دارد [illegible] خلاف [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] خلاف [illegible] [illegible] [illegible] رعیت [illegible] دولت علیه [illegible] موافق [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] در باب میرزا [illegible] [illegible] جمعیت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] روانه [illegible] در صورت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] میرزا [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] خلاف [illegible] [illegible]

[illegible] خواهیم [illegible] دولت علیه [illegible] است [illegible] [illegible] خواهیم

۱۰ خطاب به [illegible] روس — در باب [illegible] دولت بهیه روسیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] و از فقرات آن اظهار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] دولت بهیه روسیه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] اظهار [illegible] [illegible] اطلاع [illegible] [illegible]

اولیای دولت [illegible] جواب اظهار [illegible] اولیای دولت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] اظهار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] اظهار [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] اطلاع [illegible] اظهار [illegible] [illegible] خواهد [illegible]

۱۵ خطاب به جنرال قونسول روس [illegible] — [illegible] داشته بود [illegible] و از فقرات آن [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] میرزا [illegible] خان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عبارت [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] عبارت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] عبارت [illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] است

سنه ... ۱۲۶۹

ماه محرم

۱۶

ملفوف

خطاب به ... قونسول انگلیس ... در زمینه ... [illegible]

[illegible]

۱۶

ملفوف

خطاب به ... قونسول انگلیس ... در زمینه ... [illegible]

[illegible]

۲۶

ملفوف

خطاب به ... [illegible]

[illegible]

ملفوف

خطاب به ... [illegible]

ملفوف

خطاب به ... [illegible]

ماه صفر

۲

ملفوف

خطاب به ... جنرال قونسول ... [illegible]

[illegible]

۲

ملفوف

خطاب به ... قونسول ... [illegible]

[illegible]

نمره صفحه	نو ر	
۲۳		خطاب به ... روسیه — در باب ... [illegible]

نمره صفحه	نو ر	سکوریل ۱۲۶۸
۲۵		خطاب به ... جنرال قونسول ... — از قرار اظهار ... [illegible]
۲۸		خطاب به ... جنرال قونسول ... — از قرار ... [illegible]

نمرهٔ مقطع		
٢٨		خطاب بالا جنرال قونسول روس ... در باب محمد حنیفه نام ... [illegible]

خطاب بالا جنرال قونسول روس ... در باب محمد حنیفه نام ... [illegible]

بش لکه ... اقرار ... [illegible] ... محمد حنیفه ... [illegible]

[illegible]

نمرهٔ ...		
٣		خطاب بالا جنرال قونسول روس ... [illegible]
		خطاب بالا جنرال قونسول روس ... [illegible]
ربیع الاول ٤		خطاب بالا جنرال قونسول روس ... [illegible]

تاریخ ارسال	نمره	سنه ... ۱۲۶۷
		خطاب به جناب جنرال قونسول روس — [illegible] در باب ... علیه العلیه ... [illegible]
		[illegible]
۱۸		خطاب به جناب جنرال قونسول روس — [illegible]
		[illegible]
		خطاب به ... [illegible]

تاریخ ارسال	
۱۴	خطاب به ... [illegible]
	کمال الطاف ... [illegible]
۲۱	خطاب به جناب جنرال ... [illegible]
	[illegible]

نمره جلد	نمره	
۷		خطاب بکلاه جنرال قونسول روس شرح اکه — او جاسکه در اردو بیرون شکی بود بعضی حرکات ناهنجار از گماشته او چاپقوی خیال سفیه دولت ظاهر گشته مرحله سولطا و جمعیت فراهم اورده وقتی شب با خود روس بوده ورق عبور از سرحد نموده بر خانهای چند نفر در دو نفر از خود تابعان دولت علیه ایران را در دهات جای مزبور اقامت داشته اند ریخته اموال و اسباب انها را غارت نموده بوده و کیفیت حال اوقات از قرار کاغذ که حکومت مستوفی خان در مورخ بتاریخ ۳ شهر محرم ۱۳۲۰ مطابق نومره ۱۱ نوشته به جنرال قونسولگری اظهار کرده بود است تا حال معلوم نیست در خصوص چه قرار داده اند امروز هم از قراریکه حکومت مقرب الخاقان سرکار خان نوشته است باز بنای شرارت و حرکات گذاشته بجعفر نام رعایای دولت علیه ایران در برابر امیر ز جعفر قلیخان پسر علیخان در محل موسوم به بیرون شده خاک ایران توقف داشته رفته بوده اند حکومت شاه سرکار خان مستقیماً و تا نفر سواره جمع اوری کرده سر راه انها را گرفته بوده است اسلحه راجع بجعفر مزبور با انها همراه شده سه نفر انها را در نهار خان وله طهورث و لاکین نامان باشند تقریباً سه نفر ادیگر را هم مجروح و دستگیر نموده بود است و جعفر قلیخان مزبور را خصه ادهای در داول انها مستحضر شده و از او جاقوری شاه ایم اموره خواسته است در مالیاتی سه نفر مزبور را از دست انها مستخلص نماید هرچه اصرار و الحاح نموده نتیجه بخشیده است جنازه مقتولین را با سه نفر مزبور بان طرف سرحد برده است فی الحقیقه این نوع حرکات او جاقوری شاه از سرحد عبور کنند و ادم تقریباً سه نفر نموده بر دو جب اختلال کار در امور سرحدیه و عدم آسایش اهالی انجا خواهد شد و تنها ایشان علت لازم باشد در رفع اینگونه مفاسد از طرفین اهتمام نماید لهذا با ملاحظه اظهار میشود با وجود جبال خانی در سرحد روز بروز امور سرحدیه مختل و بی نظم خواهد شد امروز خواهش میکنم لازم است مراتب قدغن و اظهار داشته قرار دهند او را فرار ندهند و در تحقیق حاصل نموده نتیجه داده سه نفر را ... تقصیر از ان طرف گرفته به نگاه داشته است مستلزم کاینه و نیابت ادم در نگاری در عوض او جاقوری شاه محال مزبور تعیین کرده او سوار ایم شغل معزول نماید و با وجود بروز سلوک و رفتار زمان باینجا راه از و هدکور و شاه هم مستقلاً امر سرحدات را با نهایت و کفگو نظمی داشته باشد و هر روزه مراتب این طرفین خواهد بود البته کار که اسعه از دولت علیه نظم سرحد در حکوکت طالب سفیه قراری خواسته ماه مراتب و انتصاب او جاقوری مزبور مرتفع شده از وقوع امر قبیحه نظم تا انجه که حاصل شود		
۱۰		خطاب بکلاه جنرال قونسول روس شرح اکه — در باب عده از هزارکرها طایفه شاهسون که در قوه بکلوه اند و نتوا از قرار اظهار و فرخانه و سیلاب جناب جلالتمآب جانشین قفقاز به رخی علی داشته بود کیفیت هرزکی انها سه چند از قتلی تبعه برات و ... رعیت شاهسون این طرف نوشته بود اراستحضار ساخته بودند و همان اوقات حکمی لازم بود و مقصدی مامور کرده ایم هزار طایفه مزبوره شاهسون بینه که ... در انکتاب ما حجت مانع شوند و نگذارند با نظم و ترتیب در صدد معامل نموده ادم و اسامی اهالی ... محبت ما شیه نظم غالب است در بروز باشد و ادب کاری در حق انها معمول اورده باشند نظم منظور است حاصل شده مرتبه حجارت در انکتاب بی نظم بداشته باشند برای انتقام دولت خواه مراتب اظهار شده اطلاع کاری حاصل		

نمره جلد	نمره	
۱۰		خطاب بکلاه جنرال قونسول دولت روس شرح اکه — امروز تحریراً رحمی قلمی و اظهار داشته بود از قرار با شورت مذکوره چند نفر رعایای دولت علیه ایران را امده اند سابق مذکوره وارده بیرون کرده جات رعایای ان دولت علیه بود در انجا باز کلی مقام و مراجعت بانها نرسید اگرچه شرح ذیل کیسه کرده ایم مباشر مذکوره مخصوص انتقال با شورت مذکور مال رحمی مستعرض رعایای ان دولت بهیه نشوند ولیکن حال ان دولت حالا با نظور اظهار داشته است و اولیای دولت علیه قرار داده اند در چند جا عبارت از سرحد گذر از روس کیسلان و امثالا باشند نذر جات دولت بهیه او بیه شده خط کرده خطوط گذرانند البته در اجرای قرار اسبل اهتمام خواهد شد مجدداً نیز حکم ماکد صادر و قدغن کیسه بمباشر مذکوره وارده بیرون کردیم که غیر به پیچوجه من الوجوه در باب انتقال مذکوره با شورت اتباع رعایای دولت بهیه او رجوعی با انها نداشته باشند و مذ خط کردن انها را موقوف دارد		

دلو حکام دار الخلافه

سواد

فرمان همایون

شرح آنکه جناب [illegible] عزت و جلالت همراه [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] فرمان همایون [illegible] [illegible]

سواد

فرمان همایون

شرح آنکه [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

عرضه داشت [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سواد

دستخط مبارک همایون [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سواد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

سواد

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

که عمه میرزا محمد علی خان [illegible] در کار [illegible] والده [illegible] [illegible] والده را زیارت [illegible] [illegible]

۵۵ قاجار [illegible] مصطفی خان نوشته بود [illegible] [illegible] حضرت علیه [illegible] [illegible] اجرت آن [illegible]

دائر عرض [illegible] والده [illegible] آن جواب [illegible] عرض [illegible] اگر موافق قرار داد [illegible] دائر [illegible]

[illegible] خواهد [illegible] والده [illegible] تحقیق [illegible] [illegible]

[illegible] جواب آن [illegible] والده [illegible] خواهد [illegible]

[illegible]